

Accepted Manuscript

Accepted Manuscript (Uncorrected Proof)

Title: A Comparative Policy Framework for Gender-Responsive Disaster Resilience in Iran

Authors: Maryam Rostami^{1,*}, Seyyed Amirhossein Garakani², Athare Nejai³

1. *Natural Disasters Research Institute, International Center for Urban Resilience Studies, Tehran, Iran.*
2. *Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Department of Architecture, Tehran, Iran.*
3. *Natural Disasters Research Institute, Environmental Hazards Department, Tehran, Iran.*

To appear in: **Disaster Prevention and Management Knowledge**

Received date: 2026/02/1

Accepted date: 2026/04/20

First Online Published: 2026/10/06

This is a “Just Accepted” manuscript, which has been examined by the peer-review process and has been accepted for publication. A “Just Accepted” manuscript is published online shortly after its acceptance, which is prior to technical editing and formatting and author proofing. Archives of Rehabilitation provides “Just Accepted” as an optional service which allows authors to make their results available to the research community as soon as possible after acceptance. After a manuscript has been technically edited and formatted, it will be removed from the “Just Accepted” Website and published as a published article. Please note that technical editing may introduce minor changes to the manuscript text and/or graphics which may affect the content, and all legal disclaimers that apply to the journal pertain.

Please cite this article as:

Rostami, M., Garakani, S. A., & Nejai, A. [A Comparative Policy Framework for Gender-Responsive Disaster Resilience in Iran]. Disaster Prevention and Management Knowledge. Forthcoming 2026.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

عنوان: طراحی چارچوب تاب آوری جنسیت محور در مدیریت سوانح ایران

نویسندگان: مریم رستمی^۱؛ سیدامیرحسین گرکانی^۲؛ اطره نژادی^۳

۱. پژوهشکده سوانح طبیعی، مرکز بین المللی مطالعات تاب آوری شهری، تهران، ایران.
۲. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه معماری، تهران، ایران.
۳. پژوهشکده سوانح طبیعی، گروه مخاطرات محیط زیستی، تهران، ایران.

نشریه: دانش پیشگیری و مدیریت بحران

تاریخ دریافت: 1404/11/12

تاریخ پذیرش: 1405/1/31

تاریخ انتشار اولیه: 1405/1/31

این نسخه «پذیرفته‌شده پیش از انتشار» مقاله است که پس از طی فرایند داوری، برای چاپ، قابل پذیرش تشخیص داده شده است. این نسخه در مدت کوتاهی پس از اعلام پذیرش به صورت آنلاین و قبل از فرایند ویراستاری منتشر می‌شود. نشریه آرشیو توانبخشی گزینه «پذیرفته‌شده پیش از انتشار» را به عنوان خدمتی به نویسندگان ارائه می‌دهد تا نتایج آن‌ها در سریع‌ترین زمان ممکن پس از پذیرش برای جامعه علمی در دسترس باشد. پس از آنکه مقاله‌ای فرایند آماده سازی و انتشار نهایی را طی می‌کند، از نسخه «پذیرفته‌شده پیش از انتشار» خارج و در یک شماره مشخص در وبسایت نشریه منتشر می‌شود. شایان ذکر است صفحه آرای و ویراستاری فنی باعث ایجاد تغییرات صوری در متن مقاله می‌شود که ممکن است بر محتوای آن تأثیر بگذارد و این امر از حیطه مسئولیت دفتر نشریه خارج است.

لطفا این گونه استناد شود:

Rostami, M., Garakani, S. A., & Nejai, A. [A Comparative Policy Framework for Gender-Responsive Disaster Resilience in Iran]. Disaster Prevention and Management Knowledge. Forthcoming 2026.

Abstract

The increasing frequency and intensity of natural disasters and complex crises have exposed deep structural inequalities, demonstrating that disaster impacts are unevenly distributed across social groups. Gender, as an institutional–social construct, plays a critical role in shaping patterns of vulnerability, access to resources, participation in decision-making, and resilience capacities. Despite the expansion of this literature, a significant gap remains between normative commitments and the institutionalization of gender-responsive policies in disaster governance. This study addresses this gap by developing a context-sensitive policy framework for Iran through a comparative analysis of ten countries, employing a Most Different Systems Design (MDSD). The analytical framework is a six-layered matrix model integrating theories of Fraser, Sen, Nussbaum, Gaventa, Norris, and Kingdon, enabling a multi-dimensional analysis of justice, power, capabilities, social resilience, and policy dynamics. Data were collected through global indices (GGI, HDI, INFORM, and DRI) and systematic qualitative coding of policy documents, with performance assessed using a standardized 0–4 rubric. The findings reveal that countries with structurally embedded gender-responsive resilience share five mutually reinforcing mechanisms: (1) legal–financial commitment through gender-responsive budgeting, (2) multi-level institutional participation of women, (3) capacity-building linked to institutional structures, (4) data-driven and accountable governance, and (5) crisis-induced policy learning. Building on these findings, the study proposes a localized policy model for Iran that translates these mechanisms into the domestic institutional context, thereby reducing the gap between normative commitments and implementation capacity in disaster governance. The results highlight that gender-responsive resilience can only be institutionalized through the simultaneous alignment of these mechanisms.

Keywords: Gender-responsive resilience; disaster risk reduction (DRR); disaster governance; comparative policy analysis; gender-responsive budgeting

چکیده:

افزایش شدت و بسامد سوانح طبیعی و بحران‌های مرکب در دهه‌های اخیر، نابرابری‌های ساختاری را برجسته ساخته و نشان داده است که پیامدهای بحران‌ها به صورت نامتوازن بر گروه‌های اجتماعی مختلف اثر می‌گذارد. جنسیت، به مثابه سازوکاری نهادی-اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در الگوهای آسیب‌پذیری، دسترسی به منابع، مشارکت در تصمیم‌سازی و ظرفیت تاب‌آوری ایفا می‌کند. با وجود گسترش ادبیات این حوزه، همچنان شکاف معناداری میان تعهدات هنجاری و نهادینه‌سازی سیاست‌های جنسیت‌محور در مدیریت بحران وجود دارد. این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف، به طراحی یک چارچوب سیاست‌گذارانه بومی‌پذیر برای ایران می‌پردازد و با بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی «نظام‌های متفاوت، نتایج مشابه (MDS)»، سیاست‌ها و ساختارهای نهادی ده کشور منتخب را تحلیل می‌کند. چارچوب تحلیلی پژوهش یک مدل شش‌لایه ماتریسی است که با تلفیق نظریات فریزر، سن، نوسبام، گاونتا، نوریس و کینگدون، امکان تحلیل هم‌زمان سازوکارهای عدالت، قدرت، قابلیت، تاب‌آوری و پویایی‌های سیاستی را فراهم می‌سازد. داده‌ها از طریق تحلیل شاخص‌های جهانی (HDI، GGI، INFORM و DRI) و کدگذاری نظام‌مند اسناد سیاستی گردآوری شده و با استفاده از روبریک استاندارد ۰ تا ۴ مورد ارزیابی تطبیقی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد کشورهایی که تاب‌آوری جنسیت‌محور را به صورت ساختاری نهادینه کرده‌اند، پنج سازوکار هم‌افزا را به طور هم‌زمان به کار گرفته‌اند: (۱) الزام حقوقی-مالی و بودجه‌ریزی جنسیتی، (۲) مشارکت نهادی چندسطحی زنان، (۳) ظرفیت‌سازی پیوندخورده با ساختار، (۴) حکمرانی داده‌محور و پاسخ‌گو، و (۵) یادگیری سیاستی مبتنی بر بحران. بر این اساس، مقاله یک مدل سیاستی بومی‌پذیر برای ایران ارائه می‌کند که از طریق ترجمه زمینه‌مند این سازوکارها، شکاف میان تعهدات هنجاری و ظرفیت‌های اجرایی در حکمرانی بحران را کاهش می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد نهادینه‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور تنها در صورت هم‌زمانی این سازوکارهای نهادی امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری جنسیت‌محور؛ کاهش خطر سوانح؛ حکمرانی بحران؛ تحلیل تطبیقی سیاستی؛ بودجه‌ریزی جنسیتی

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر، افزایش شدت و بسامد سوانح طبیعی و بحران‌های مرکب—از زلزله و سیلاب تا خشکسالی، پاندمی و شوک‌های اقلیمی— نشان داده است که پیامدهای بحران‌ها صرفاً تابع نوع مخاطره نیستند، بلکه به‌طور عمیق با نابرابری‌های اجتماعی و آسیب‌پذیری‌های ساختاری درهم‌تنیده‌اند (World Bank, 2021; UNDRR, 2024a). در این میان، جنسیت نه تنها یک متغیر جمعیت‌شناختی، بلکه سازوکاری نهادی—سیاسی است که الگوهای توزیع ریسک، دسترسی به منابع و مشارکت در تصمیم‌سازی را شکل می‌دهد. شواهد تجربی نشان می‌دهد در زمینه‌هایی که شکاف جنسیتی و طرد نهادی زنان بالاست، پیامدهای سوانح—از آسیب‌های معیشتی تا مرگ‌ومیر—به‌طور معناداری نابرابر توزیع می‌شود (UNDP, 2015; World Bank, 2021). با وجود گسترش ادبیات تاب‌آوری در دو دهه اخیر، این حوزه با سه کاستی تحلیلی—روشی مواجه است: نخست، غلبه رویکردهای توصیفی که بر شناسایی آسیب‌پذیری‌های جنسیتی تمرکز دارند، بدون آنکه سازوکارهای نهادی نهادینه‌سازی را تبیین کنند؛ دوم، فقدان چارچوب‌های تحلیلی یکپارچه که بتوانند پیوند میان عدالت توزیعی، ساختار قدرت و ظرفیت‌های نهادی را به‌صورت هم‌زمان تحلیل کنند؛ و سوم، ضعف در ترجمه یافته‌های تحلیلی به الگوهای سیاستی قابل اجرا. در نتیجه، پرسش محوری «چگونگی نهادینه‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور در معماری حکمرانی بحران» همچنان به‌صورت نظام‌مند و سیاست‌محور پاسخ داده نشده است. افزون بر این، تحولات اخیر—به‌ویژه پس از ۲۰۲۲—دو روند کلیدی را برجسته کرده است: نخست، حرکت به‌سوی حکمرانی داده‌محور و استفاده از ابزارهای دیجیتال و سامانه‌های تصمیم‌یار در ارزیابی ریسک و تخصیص منابع؛ و دوم، نگرانی فزاینده نسبت به بازتولید سوگیری‌های جنسیتی در داده‌ها، الگوریتم‌ها و سازوکارهای تصمیم‌گیری. این تحولات نشان می‌دهد که در غیاب شفافیت داده‌ای و پاسخ‌گویی نهادی، سیاست‌های به‌ظاهر خنثی می‌توانند به بازتولید نابرابری‌های ساختاری منجر شوند (UNDRR, 2024a; UN Women, 2024). در پاسخ به این شکاف‌ها، این پژوهش یک چارچوب تحلیلی شش‌لایه ارائه می‌کند که با تلفیق انتقادی نظریات فریزر، سن، نوسبام، گاونتا، نوریس و کینگدون، به‌صورت یک مدل ماتریسی با روابط علی-متقابل طراحی شده است. این چارچوب امکان تحلیل هم‌زمان سه بعد کلیدی را فراهم می‌سازد: (۱) عدالت و بازتوزیع منابع، (۲) ساختار قدرت و نمایندگی نهادی، و (۳) ظرفیت‌های نهادی برای تبدیل تعهدات هنجاری به عمل اجرایی. در این رویکرد، تعارض‌های مفهومی میان نظریه‌ها—برای مثال میان تأکید بر بازتوزیع ساختاری و تمرکز بر قابلیت‌های فردی—نه حذف، بلکه به‌عنوان بخشی از مسئله سیاست‌گذاری در نظر گرفته می‌شوند. بر این اساس، «اقتباس بومی» در این پژوهش به‌صورت «ترجمه سیاستی» و نه تقلید نهادی مفهوم‌پردازی شده است. در سطح بین‌المللی، اسناد کلیدی همچون چارچوب سندای برای کاهش خطر سوانح (۲۰۱۵-۲۰۳۰)، توصیه‌نامه عمومی شماره ۳۷ کنوانسیون CEDAW و اهداف توسعه پایدار—به‌ویژه اهداف ۵، ۱۳ و ۱۶—بر ادغام ملاحظات جنسیتی در سیاست‌گذاری کاهش خطر سوانح تأکید دارند (UNDRR, 2024a; UN Women, 2024). با این حال، شکاف میان تعهدات هنجاری و اجرای نهادی همچنان پابرجاست و تنها بخشی از کشورها توانسته‌اند این اصول را به سازوکارهای اجرایی الزام‌آور تبدیل کنند (World Bank, 2021). تجربه کشورهایی مانند نیوزیلند، کانادا و فیلیپین نشان می‌دهد که انتقال از سطح توصیه‌های هنجاری به سطح سازوکارهای نهادی—مالی الزام‌آور، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش اثربخشی سیاست‌های مدیریت بحران دارد (UNDRR, 2024a). بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از طراحی تطبیقی «نظام‌های متفاوت، نتایج مشابه» و ترکیب داده‌های کمی و کیفی، سیاست‌ها و ساختارهای نهادی ده کشور منتخب را تحلیل می‌کند تا سازوکارهای نهادی موفق و قابل ترجمه سیاستی شناسایی شوند. ایران در این مطالعه به‌عنوان زمینه هدف برای «ترجمه سیاستی» و نه صرفاً یک مورد توصیفی در نظر گرفته شده است. این پژوهش سه پرسش اصلی را دنبال می‌کند: (۱) کشورها چگونه ملاحظات جنسیتی را در سیاست‌ها و نهادهای مدیریت بحران نهادینه کرده‌اند؟ (۲) کدام سازوکارهای سیاستی قابلیت ترجمه در زمینه نهادی ایران را دارند؟ و (۳) چه چارچوبی می‌تواند این سازوکارها را در قالب مدلی بومی‌پذیر و قابل اجرا صورت‌بندی کند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، سهم پژوهش در دو سطح تعریف می‌شود: نخست، ارائه یک چارچوب تحلیلی یکپارچه برای تبیین هم‌زمان عدالت، قدرت و ظرفیت نهادی در تحلیل تاب‌آوری جنسیت‌محور؛ و دوم، توسعه یک مدل سیاستی بومی‌پذیر برای ایران که بر سازوکارهای قابل ترجمه و نهادینه‌سازی عملیاتی استوار است و از طریق بازتوزیع عادلانه منابع، نهادسازی مشارکتی، توانمندسازی ساختاری و حکمرانی داده‌محور صورت‌بندی می‌شود.

۲- مبانی نظری

تحلیل تاب‌آوری جنسیت‌محور در مدیریت سوانح مستلزم چارچوبی نظری است که بتواند به‌صورت هم‌زمان نابرابری‌های ساختاری، قدرت نهادی، ظرفیت‌های اجرایی، پویایی‌های اجتماعی و سازوکارهای سیاست‌گذاری را تبیین کند. پژوهش حاضر با تلفیق انتقادی پنج رویکرد

نظری—شامل عدالت بازتوزیعی و بازشناسی (Fraser, 2003)، رویکرد قابلیت‌ها (Sen, 1999; Nussbaum, 2011)، نظریه قدرت و مشارکت نهادی (Gaventa, 2006)، تاب‌آوری اجتماعی-نهادی (Norris et al., 2008) و پنجره‌های سیاستی (Kingdon, 1995)—و با افزودن یک لایه مکمل تحلیلی درباره یکپارچگی نهادی و حکمرانی داده‌محور، یک چارچوب تحلیلی شش لایه ماتریسی و چندبعدی با روابط علی-متقابل توسعه می‌دهد. این چارچوب، به جای ترکیب مکانیکی نظریه‌ها، بر ادغام تحلیلی آن‌ها برای تبیین هم‌زمان ابعاد عدالت، قدرت، قابلیت و پویایی‌های سیاستی در حکمرانی بحران تمرکز دارد.

۲-۱-۲- لایه‌های چارچوب شش لایه

۲-۱-۱- **عدالت توزیعی، بازشناسی و نمایندگی:** نظریه عدالت فریزر (۲۰۰۳) عدالت جنسیتی را در سه بعد بازتوزیع منابع، بازشناسی تفاوت‌های اجتماعی-فرهنگی و نمایندگی سیاسی تعریف می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد نابرابری جنسیتی در مدیریت بحران صرفاً ناشی از کمبود منابع نیست، بلکه ریشه در طرد نمادین و نهادی زنان از فرآیندهای تصمیم‌گیری دارد. بنابراین، سیاست‌های جنسیت‌محور تنها زمانی مؤثرند که این سه بعد به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند.

۲-۱-۲- **قابلیت‌ها و آزادی‌های تحقق‌یافته:** رویکرد قابلیت‌ها (Sen, 1999; Nussbaum, 2011) بر تمایز میان دسترسی اسمی به منابع و امکان واقعی بهره‌برداری از آن‌ها تأکید دارد. از این منظر، تاب‌آوری زمانی محقق می‌شود که زنان بتوانند به طور مؤثر از منابع، خدمات و فرصت‌ها برای ارتقای کیفیت زندگی و کاهش آسیب‌پذیری استفاده کنند. این لایه امکان تحلیل شکاف میان سیاست‌های رسمی و پیامدهای واقعی آن‌ها را فراهم می‌سازد.

۲-۱-۳- **تاب‌آوری اجتماعی-نهادی:** نوریس و همکاران (۲۰۰۸) تاب‌آوری را حاصل تعامل سرمایه اجتماعی، زیرساخت‌های نهادی، جریان اطلاعات و اعتماد اجتماعی می‌دانند. در این چارچوب، نقش شبکه‌های اجتماعی زنان، همبستگی محلی و ظرفیت‌های غیررسمی به عنوان منابع کلیدی تاب‌آوری برجسته می‌شود. این لایه نشان می‌دهد که تاب‌آوری صرفاً محصول مداخلات رسمی نیست، بلکه در تعامل میان جامعه و نهادها شکل می‌گیرد.

۲-۱-۴- **قدرت و مشارکت نهادی:** گاوتتا (۲۰۰۶) با مفهوم «فضاهای قدرت» میان سطوح مختلف مشارکت—از فضاهای بسته تا دعوت‌شده و ادعاشده—تمایز قائل می‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد مشارکت زنان در بسیاری از موارد به سطوح نمادین محدود می‌شود و کمتر به مشارکت تحول‌آفرین می‌انجامد. این لایه ابزاری تحلیلی برای ارزیابی کیفیت مشارکت و شناسایی الگوهای طرد ساختاری فراهم می‌کند.

۲-۱-۵- **پنجره‌های سیاست‌گذاری:** کینگدون (۱۹۹۵) نشان می‌دهد که تغییرات سیاستی زمانی رخ می‌دهد که سه جریان مسئله، راه‌حل و سیاست به هم همگرا شوند. در حوزه مدیریت بحران، سوانح می‌توانند به عنوان «پنجره‌های فرصت» برای اصلاحات نهادی عمل کنند، مشروط بر آنکه ظرفیت نهادی و اراده سیاسی برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها وجود داشته باشد.

۲-۱-۶- **یکپارچگی نهادی و حکمرانی داده‌محور:** با توجه به تحولات اخیر در حکمرانی بحران، این پژوهش یک لایه مکمل تحلیلی به چارچوب می‌افزاید که بر نقش داده‌های تفکیک‌شده جنسیتی، شفافیت اطلاعاتی و پاسخ‌گویی نهادی در سیاست‌گذاری تأکید دارد. این لایه امکان پیوند میان تحلیل کمی، ارزیابی سیاستی و تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد را فراهم می‌کند و به ویژه برای فهم سازوکارهای جدید نابرابری یا اصلاح نهادی در مدیریت بحران اهمیت دارد.

۲-۲- منطق درونی و روابط میان لایه‌ها

چارچوب شش لایه پژوهش صرفاً مجموعه‌ای از نظریه‌های مستقل نیست، بلکه دارای منطق درونی و تعامل میان لایه‌ای است. رابطه میان لایه‌ها هم‌زمان و علی-متقابل است؛ به این معنا که تقویت یا تضعیف هر لایه می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر سایر لایه‌ها داشته باشد و در نهایت الگوی تاب‌آوری جنسیت‌محور را شکل دهد. این ویژگی، چارچوب را به یک مدل ماتریسی تبدیل می‌کند که امکان تحلیل هم‌زمان ابعاد مختلف و هم‌افزایی سیاستی میان آن‌ها را فراهم می‌سازد. نمونه‌ای از این تعاملات عبارت‌اند از:

- قابلیت‌ها ↔ مشارکت نهادی: افزایش آزادی‌های تحقق‌یافته، مشارکت واقعی زنان را تقویت می‌کند و مشارکت مؤثر نیز زمینه بهره‌برداری از منابع و ارتقای قابلیت‌ها را فراهم می‌سازد.
 - تاب‌آوری اجتماعی ↔ ساختار قدرت: سرمایه اجتماعی و شبکه‌های محلی می‌توانند بر کیفیت تصمیم‌گیری و توزیع قدرت اثر بگذارند و بالعکس، ساختارهای قدرت می‌توانند این ظرفیت‌ها را تقویت یا محدود کنند.
 - پنجره‌های سیاستی ↔ سایر لایه‌ها: وقوع بحران‌ها زمانی به اصلاحات پایدار منجر می‌شود که تعامل میان عدالت، قدرت و ظرفیت نهادی از پیش شکل گرفته باشد.
 - حکمرانی داده‌محور ↔ تمامی لایه‌ها: داده‌های تفکیک‌شده و نظام‌های پایش، امکان ارزیابی، اصلاح و پاسخ‌گویی سیاست‌ها را در تمامی ابعاد فراهم می‌کنند.
- این چارچوب، علاوه بر تبیین نظری، به‌عنوان یک ابزار تحلیلی-کاربردی عمل می‌کند که امکان شناسایی شکاف‌های نهادی، تحلیل الگوهای سیاستی و طراحی سناریوهای قابل اقتباس برای ایران را فراهم می‌سازد. جدول ۱ تعریف تحلیلی هر لایه را ارائه می‌دهد.

جدول ۱. تعریف تحلیلی لایه‌های چارچوب شش‌لایه

شرح	لایه تحلیلی
ارزیابی هم‌زمان بازتوزیع منابع، بازشناسی تفاوت‌های اجتماعی-فرهنگی و میزان مشارکت مؤثر زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری	عدالت توزیعی، بازشناسی و نمایندگی
تحلیل میزان تبدیل دسترسی اسمی به منابع به قابلیت‌های واقعی و امکان انتخاب و کنش معنادار در شرایط بحران	قابلیت‌ها و آزادی‌های تحقق‌یافته
بررسی نقش سرمایه اجتماعی، شبکه‌های محلی و تعامل میان جامعه و نهادها در تقویت ظرفیت‌های سازگاری و بازسازی	تاب‌آوری اجتماعی-نهادی
تحلیل ساختارهای قدرت، نوع فضاها، مشارکت (بسته، دعوت‌شده، ادعاشده) و کیفیت حضور زنان در فرآیندهای تصمیم‌سازی	قدرت و مشارکت نهادی
شناسایی فرصت‌های نهادی برای اصلاحات سیاستی در نتیجه همگرایی مسئله، راه‌حل و اراده سیاسی در شرایط بحران	پنجره‌های سیاست‌گذاری
ارزیابی نقش داده‌های تفکیک‌شده جنسیتی، شفافیت اطلاعاتی و نظام‌های پاسخ‌گویی در بهبود تصمیم‌گیری و اصلاح سیاست‌ها	یکپارچگی نهادی و حکمرانی داده‌محور

۳- مرور ادبیات

مطالعه تاب‌آوری جنسیت‌محور در مواجهه با سوانح و بحران‌ها طی دو دهه اخیر به‌طور قابل‌توجهی گسترش یافته و به یکی از حوزه‌های میان‌رشته‌ای محوری در تحلیل حکمرانی بحران، سیاست‌گذاری عمومی و توسعه پایدار تبدیل شده است. با این حال، بخش قابل‌توجهی از این ادبیات همچنان بر سطح فردی آسیب‌پذیری یا مشارکت اجتماعی زنان متمرکز است و کمتر به تحلیل نظام‌مند سازوکارهای نهادی، سیاستی و حکمرانی که شکل‌دهنده تاب‌آوری جنسیت‌محور هستند، پرداخته است (Enarson & Chakrabarti, 2009; Ramalho, 2019; Le, 2023). به‌ویژه، شکاف میان تعهدات هنجاری دولت‌ها و ظرفیت‌های اجرایی آن‌ها برای نهادینه‌سازی سیاست‌های جنسیت‌محور، همچنان یکی از چالش‌های پایدار این حوزه محسوب می‌شود (UNDRR & UN Women, 2024).

۱-۳- مطالعات داخلی و منطقه‌ای

در ایران، پژوهش‌ها به‌طور مکرر به شکاف میان مشارکت عملی زنان در پاسخ به بحران و غیبت آنان در ساختارهای رسمی سیاست‌گذاری اشاره کرده‌اند. Sohrabizadeh و Mansouri (2016) نشان می‌دهند که علی‌رغم نقش فعال زنان در سطوح محلی و داوطلبانه، نظام رسمی مدیریت بحران فاقد سازوکارهای الزام‌آور برای ادغام ملاحظات جنسیتی در تصمیم‌سازی است. Yazdanpanah et al. (2020) فقدان داده‌های تفکیک‌شده جنسیتی و شاخص‌های سیاست‌پذیر را از موانع اصلی سیاست‌گذاری مؤثر می‌دانند؛ ضعفی که منجر به بازتولید رویکردهای نمادین و غیرنظام‌مند شده است. در سطح منطقه‌ای، الگوهای مشابهی مشاهده می‌شود. Sahni et al (2020) در مطالعات خود بر هند و سری‌لانکا نشان می‌دهند که رهبری محلی زنان می‌تواند اثربخشی برنامه‌های کاهش خطر سوانح را افزایش دهد، اما در غیاب نهادسازی پایدار و حمایت سیاستی، این اثرگذاری اغلب موقتی و وابسته به پروژه باقی می‌ماند. مطالعات نهال (Bhandari, 2021) و فیلیپین (Vallejo & Ong, 2022) نیز تأکید می‌کنند که تاب‌آوری جنسیت‌محور تنها زمانی پایدار می‌شود که سیاست‌های ملی، نظام‌های داده‌محور و نهادهای محلی به‌صورت هم‌زمان تقویت شوند. این مجموعه مطالعات نشان می‌دهد که بدون بازشناسی نمایندگی واقعی زنان و تقویت قابلیت‌های نهادی، مشارکت جنسیتی به سطحی نمادین محدود می‌ماند.

۳-۲- مطالعات بین‌المللی و شکاف‌های سیاستی

در سطح جهانی، گزارش‌های مرجع *UN Women* (2022; 2024) نشان می‌دهد که نهادهای سازای تاب‌آوری جنسیت‌محور مستلزم ترکیب سه مؤلفه کلیدی است: چارچوب‌های حقوقی الزام‌آور، بودجه‌ریزی حساس به جنسیت و نظام‌های داده‌محور برای پایش و پاسخ‌گویی. با این حال، گزارش‌های *OECD* (2023) و *World Bank* (2023) نشان می‌دهند که در بسیاری از کشورها، سیاست‌های جنسیتی در مدیریت بحران در سطح اسناد باقی مانده و به دلیل ضعف ظرفیت اجرایی، اراده سیاسی و سازوکارهای پاسخ‌گویی نهادی، به نتایج عملی منجر نشده‌اند. مرورهای نظام‌مند اخیر نیز این خلأ را تأیید می‌کنند. *Bradshaw et al* (2022) و *Bradshaw & Fordham* (2024) نشان می‌دهند که بخش بزرگی از ادبیات موجود یا به تحلیل‌های توصیفی و شاخص‌محور محدود می‌شود یا فاقد چارچوب‌های تحلیلی قابل اقتباس برای زمینه‌های نهادی متنوع، به‌ویژه در کشورهای غیر-*OECD* است. افزون بر این، بسیاری از مطالعات علی‌رغم تأکید بر مشارکت زنان، کمتر به تحلیل ساختارهای قدرت و فضاهای واقعی تصمیم‌گیری پرداخته‌اند؛ ضعفی که با تحلیل‌های *Gaventa* (2006) درباره مشارکت نمادین هم‌راستاست.

۳-۳- تحولات معاصر: حکمرانی داده و سوگیری جنسیتی

ادبیات معاصر، به‌ویژه پس از ۲۰۲۲، بر نقش فزاینده داده‌های کلان، سامانه‌های دیجیتال و ابزارهای هوش مصنوعی در ارزیابی ریسک، تخصیص منابع و تصمیم‌سازی بحران تأکید دارد (*OECD, 2024; UNDP, 2023*). هم‌زمان، پژوهش‌ها هشدار می‌دهند که در غیاب داده‌های تفکیک‌شده جنسیتی، شفافیت الگوریتمی و چارچوب‌های پاسخ‌گوی حکمرانی داده، این فناوری‌ها می‌توانند سوگیری‌های موجود را بازتولید و حتی تشدید کنند (*Leslie et al., 2022; UN Women, 2024*). این روند نشان می‌دهد که تاب‌آوری جنسیت‌محور در عصر دیجیتال، بدون پیوند ساختاری با حکمرانی داده‌محور، با محدودیت‌های جدی مواجه خواهد بود.

۳-۴- تحلیل شکاف و جایگاه پژوهش حاضر

علی‌رغم گسترش ادبیات، سه شکاف کلیدی برجسته است:

- نخست، غلبه رویکردهای توصیفی: اکثر مطالعات فاقد طراحی تطبیقی نظام‌مند (به‌ویژه *MDSD*) هستند و امکان استخراج الگوهای نهادی قابل انتقال محدود است.
 - دوم، فقدان چارچوب‌های چندبعدی: مدل‌های موجود اغلب تک‌لایه بوده و تعامل میان عدالت توزیعی-بازشناختی، قدرت، قابلیت و سیاست‌گذاری را به‌صورت یکپارچه تحلیل نمی‌کنند.
 - سوم، ضعف در ترجمه سیاستی: توصیه‌ها عمدتاً کلی بوده و فاقد سازوکارهای اجرایی، شاخص‌های پایش و بومی‌سازی نهادی هستند.
- پژوهش حاضر این شکاف‌ها را از طریق یک چارچوب شش‌لایه ماتریسی—شامل عدالت، قابلیت‌ها، تاب‌آوری اجتماعی، قدرت نهادی، پنجره‌های سیاستی و حکمرانی داده‌محور—و ترکیب تحلیل تطبیقی و روبریک استاندارد $\kappa = 0.87$ برطرف می‌کند.
- نوآوری پژوهش شامل طراحی تطبیقی *MDSD*، ادغام تحلیل کمی و کیفی و ترجمه سه‌مرحله‌ای به سناریوهای اجرایی ایران می‌باشد. این رویکرد، با ایجاد پیوند نظام‌مند میان تحلیل تطبیقی، تبیین نظری و طراحی سیاستی، مستقیماً به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده و امکان تبدیل یافته‌های تحلیلی به مداخلات اجرایی زمینه‌مند را فراهم می‌سازد.

۴- چارچوب‌های جهانی و سیاستی

تاب‌آوری جنسیت‌محور در مدیریت سوانح صرفاً یک دغدغه نظری یا اجتماعی نیست، بلکه یک الزام سیاست‌گذارانه بین‌المللی است که در اسناد کلیدی سازمان‌های جهانی نهادینه شده است. این چارچوب‌ها نه‌تنها اصول هنجاری، بلکه ابزارها و سازوکارهای اجرایی و الزامات نهادی مشخصی برای ادغام ملاحظات جنسیتی در سیاست‌های کاهش خطر سوانح (*DRR*) ارائه می‌دهند. بررسی نظام‌مند این اسناد، علاوه بر امکان تحلیل تطبیقی سیاست‌ها و شناسایی شکاف‌های نهادی، مبنای طراحی چارچوبی بومی‌پذیر و عملیاتی برای ایران را فراهم می‌کند.

۴-۱- سندی: چارچوب جهانی کاهش خطر سوانح ۲۰۱۵-۲۰۳۰

چارچوب سندی به عنوان سند محوری سازمان ملل در حوزه کاهش خطر سوانح، در بندهای ۶، ۱۹، ۲۴ و ۳۶ بر ضرورت مشارکت مؤثر زنان، استفاده از داده‌های تفکیک‌شده جنسیتی و طراحی سیاست‌های حساس به جنسیت تأکید دارد (UNDRR, 2015). در این چارچوب، عدالت جنسیتی نه یک ملاحظه جانبی، بلکه یکی از اصول بنیادین حکمرانی ریسک تلقی می‌شود. با این حال، گزارش‌های پایش اجرای سندی نشان می‌دهد که فاصله معناداری میان تعهدات هنجاری و اجرا وجود دارد و تنها در سهم محدودی از کشورها، سازوکارهای داده‌محور و پایش‌پذیر برای ادغام نظام‌مند ملاحظات جنسیتی در سیاست‌های DRR استقرار یافته است (UNDRR, 2022). در بسیاری موارد، مشارکت زنان همچنان در سطحی نمادین باقی می‌ماند. تجربه کشورهایی مانند نیوزیلند و فیلیپین نشان می‌دهد که پیوند اجرای سندی با بودجه‌ریزی جنسیتی و نظام‌های گزارش‌دهی الزام‌آور، مشارکت زنان را از سطح توصیه به سازوکار نهادی ارتقا می‌دهد.

۴-۲- توصیه‌نامه عمومی شماره ۳۷ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW)

توصیه‌نامه عمومی شماره ۳۷ (۲۰۱۸) صراحتاً جنسیت، سوانح و تغییر اقلیم را پیوند می‌دهد و سه الزام کلیدی را برای دولت‌ها مشخص می‌کند: بازنگری قوانین و سیاست‌های بحران از منظر عدالت جنسیتی؛ تضمین مشارکت معنادار زنان در تمام مراحل چرخه مدیریت بحران و طراحی شاخص‌ها، بودجه‌ها و نظام‌های پاسخ‌گویی مبتنی بر جنسیت (CEDAW, 2018). با این حال، ایران تاکنون به کنوانسیون CEDAW نپیوسته و تعهد حقوقی الزام‌آور ندارد. این وضعیت، یکی از محدودیت‌های ساختاری در نهادینه‌سازی سیاست‌گذاری جنسیت‌محور در مدیریت بحران کشور محسوب می‌شود و اهمیت بهره‌گیری از رویکردهای غیرحقوقی اما سیاست‌محور، مانند انتقال زمینه‌مند سیاست‌ها را برجسته می‌سازد.

۴-۳- اهداف توسعه پایدار (SDGs)

اهداف توسعه پایدار، به‌ویژه هدف ۵ (برابری جنسیتی)، هدف ۱۳ (اقدام اقلیمی و تاب‌آوری) و هدف ۱۶ (نهادهای پاسخگو و فراگیر)، چارچوبی یکپارچه برای پیوند عدالت جنسیتی، تاب‌آوری اقلیمی و اصلاح حکمرانی بحران فراهم می‌کنند (UN Women, 2022; UNDP, 2023). شواهد تحلیلی نشان می‌دهد کشورهایی که موفق به پیشرفت همزمان در این اهداف شده‌اند، توانسته‌اند سیاست‌های جنسیت‌محور را در ساختارهای نهادی و بودجه‌ای خود ادغام و به سازوکارهای اجرایی قابل پایش تبدیل کنند.

۴-۴- دستورکار جهانی UNDRR برای جنسیت و تاب‌آوری

UNDRR در راهبرد Gender-Responsive Disaster Risk Reduction (2022)، بر ضرورت «تحول نهادی» به‌جای مداخلات پروژه‌ای تأکید می‌کند. پنج حوزه اولویت‌دار این دستورکار عبارت‌اند از: رهبری و نمایندگی زنان؛ داده‌محوری و شفافیت آماری؛ بودجه‌ریزی حساس به جنسیت؛ ظرفیت‌سازی نهادی و پیوند ساختاری میان DRR و توسعه پایدار (UNDRR, 2022)؛ این دستورکار، رویکردهای نمادین به مشارکت زنان را مردود دانسته و بر اصلاح روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری تأکید می‌کند. شواهد تطبیقی این پژوهش نشان می‌دهد تحقق این اصلاحات در کشورهایی با ساختارهای غیرمتمرکز آسان‌تر است، در حالی که در نظام‌های متمرکزگرا—از جمله ایران و مصر—مستلزم بازطراحی تدریجی نهادهای تصمیم‌گیر و تفویض مرحله‌ای اختیار به سطوح محلی و میان‌سطحی است.

۴-۵- رویکرد OECD به حکمرانی ریسک با حساسیت جنسیتی

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD, 2021) تاب‌آوری را تنها در صورتی ممکن می‌داند که ملاحظات جنسیتی در تمام مراحل مدیریت بحران ادغام شوند. ابزارهایی مانند بودجه‌ریزی حساس به جنسیت، شاخص‌های ارزیابی جنسیتی و آموزش مدیران بحران، به‌عنوان پیش‌نیازهای حکمرانی ریسک مؤثر معرفی شده‌اند. OECD همچنین بر پیوند ساختاری میان داده‌های جنسیتی، تحلیل ریسک و سیاست‌گذاری شواهدمحور تأکید می‌کند و خاطرنشان می‌سازد که در کشورهای متمرکزگرا، موفقیت این ابزارها بدون اراده سیاسی برای واگذاری بخشی از قدرت تصمیم‌گیری به سطوح محلی محدود خواهد بود.

۴-۶- جایگاه ایران در نسبت با چارچوب‌های جهانی

ایران، علی‌رغم عدم الحاق به CEDAW، برخی مؤلفه‌های مرتبط با مشارکت اجتماعی، کاهش خطر سوانح و ظرفیت‌سازی نهادی را در اسناد بالادستی مدیریت بحران و برنامه‌های توسعه وارد کرده است؛ با این حال، این جهت‌گیری‌ها هنوز به یک چارچوب منسجم و پایش‌پذیر

جنسیت‌محور در حکمرانی بحران تبدیل نشده‌اند. سه چالش ساختاری همچنان مانع از انطباق مؤثر با این چارچوب‌ها هستند: فقدان نظام داده‌محور و پایش‌پذیر جنسیتی، غیبت نظام‌مند زنان در سطوح تصمیم‌گیری مدیریت بحران، و ضعف در ترجمه زمینه‌مند سیاست‌های جهانی متناسب با بافت نهادی ایران. در ادامه، با اتکا به چارچوب تحلیلی شش‌لایه و رویکرد تطبیقی پژوهش، عملکرد سیاستی کشورهای منتخب تحلیل می‌شود تا سازوکارهای نهادی قابل ترجمه برای ایران استخراج و مبنای طراحی مدل سیاستی پیشنهادی فراهم گردد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف طراحی یک چارچوب سیاست‌گذارانه بومی‌پذیر برای ارتقای تاب‌آوری جنسیت‌محور در نظام مدیریت بحران ایران، از طراحی تطبیقی و رویکرد تلفیقی کمی-کیفی بهره می‌گیرد. منطق روش‌شناختی پژوهش بر دو رکن اصلی استوار است: نخست، استانداردسازی ارزیابی برای مقایسه‌پذیری بین کشورها با استفاده از شاخص‌های بین‌المللی و روبریک امتیازدهی قاعده‌محور ۴-۰ در شش محور سیاستی؛ دوم، تبیین سیاستی و الگوسازی بومی از طریق تحلیل محتوای اسناد و ترجمه سیاستی زمینه‌مند نتایج تطبیقی به ایران به صورت عملیاتی و قابل اجرا. این ساختار، مسیر استنتاج از داده‌ها به نتایج تطبیقی و سپس به پیشنهاد سیاستی را شفاف، قابل ردیابی و بازتولیدپذیر می‌سازد.

۵-۱- نوع پژوهش و طراحی تطبیقی

پژوهش حاضر از نوع کاربردی-تحلیلی است و چارچوب نظری آن بر مدل شش‌لایه تلفیقی بنا شده است. در طراحی تطبیقی، از الگوی «سیستم‌های متفاوت، نتایج مشابه»^۱ بهره گرفته شده است (Anckar, 2008). در این رویکرد، با کنترل متغیرهای زمینه‌ای و انتخاب موارد ناهمگن از نظر سطح توسعه، ساختار حکمرانی و زمینه نهادی، امکان شناسایی سازوکارهای نهادی مشترکی که به نتایج مشابه در نهادینه‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور منجر شده‌اند فراهم می‌شود. هدف اصلی، استخراج سازوکارهای قابل ترجمه برای ایران و نه انتقال مکانیکی سیاست‌ها است.

۵-۲- جامعه پژوهش، انتخاب موردها و جایگاه ایران

جامعه پژوهش شامل کشورهای عضو سازمان ملل در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ است که داده‌های قابل اتکا و مقایسه‌پذیر در حوزه جنسیت، توسعه و ریسک سوانح برای آن‌ها در دسترس بوده است. انتخاب کشورها به روش نظری-هدفمند و بر اساس سه معیار انجام شد: (۱) تنوع جغرافیایی و نهادی (شمال و جنوب جهانی)، (۲) وجود شواهد مستند از ادغام ملاحظات جنسیتی در سیاست‌ها و نهادهای کاهش خطر سوانح، و (۳) امکان استفاده از شاخص‌های بین‌المللی مانند *GGI* و *HDI* برای کنترل زمینه‌ای مقایسه. بر این اساس، ده کشور نیوزیلند، کانادا، ژاپن، مکزیک، فیلیپین، هند، نپال، پاکستان، بنگلادش و مصر انتخاب شدند. ایران به عنوان «مورد هدف اقتباس سیاستی» در مرحله نهایی تحلیل وارد شد تا از طریق فرآیند روش‌مند ترجمه سیاستی و با لحاظ قیود حقوقی، ظرفیت نهادی، تمرکزگرایی اداری، قابلیت اجرایی و وضعیت نظام داده، بسته‌های سیاستی قابل اجرا طراحی شود.

۵-۳- منابع داده و گردآوری

داده‌ها از دو لایه گردآوری شد:

الف) داده‌های کمی (زمینه‌ای و مقایسه‌ای): شاخص‌های *GGI*، *HDI*، *INFORM* و *DRI* برای تحلیل زمینه‌ای کشورها و کنترل شکاف جنسیتی، توسعه انسانی و ریسک سوانح،

ب) داده‌های کیفی (سیاست‌ها و نهادها): اسناد رسمی، راهبردها و برنامه‌ها، چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های بودجه‌ریزی حساس به جنسیت و گزارش‌های مرجع سازمان‌های بین‌المللی (*UNDRR*، *UN Women*، *IFRC*، *World Bank* و منابع مشابه)^۲

۵-۴- چارچوب تحلیل و امتیازدهی

^۱ Most Different Systems Design – MDSD

^۲ کیفیت داده‌ها از طریق مرور نظام‌مند و ارجاع به مقالات ژورنالی معتبر تضمین شد.

تحلیل داده‌ها در دو سطح مکمل انجام شد: (۱) امتیازدهی استاندارد شده برای مقایسه‌پذیر کردن سیاست‌ها براساس شش محور تحلیلی استخراج شده از چارچوب نظری، و (۲) تحلیل محتوای هدایت شده برای تبیین سازوکارهای مؤثر و قابل ترجمه برای ایران.

۵-۴-۱- ابعاد سیاستی (شش محور منطبق با چارچوب نظری)

بر اساس چارچوب شش لایه پژوهش، نهادهای سازوکار تاب‌آوری جنسیت محور در هر کشور در شش محور زیر عملیاتی سازی و ارزیابی شد^۳:

- عدالت توزیعی و بازشناسی جنسیتی: بررسی وجود سیاست‌های بازتوزیعی با پیوست جنسیتی، شواهد تخصیص منابع هدفمند به زنان، و انعکاس تفاوت‌های جنسیتی در اسناد سیاستی؛
- نمایندگی و مشارکت نهادی زنان: ارزیابی حضور رسمی زنان در نهادهای تصمیم‌گیری (کمیته‌ها، شوراهای)، نقش آنان در فرآیند تصمیم‌سازی و وجود سازوکارهای الزام‌آور مشارکت؛
- قابلیت‌ها و ظرفیت نهادی: سنجش وجود برنامه‌های توانمندسازی، دسترسی به آموزش، منابع و خدمات، و شواهد تبدیل سیاست‌ها به پیامدهای واقعی برای زنان؛
- قدرت و فضاهای مشارکت: تحلیل نوع مشارکت (نمادین، مشورتی یا تصمیم‌ساز) بر اساس شواهد نهادی و میزان دسترسی به سطوح مختلف قدرت؛
- تاب‌آوری اجتماعی-نهادی: بررسی نقش شبکه‌های محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد، و مشارکت اجتماعی زنان در پاسخ و بازسازی پس از بحران؛
- حکمرانی داده‌محور و پنجره‌های سیاستی: ارزیابی وجود داده‌های تفکیک شده جنسیتی، نظام‌های پایش و گزارش‌دهی، و شواهد استفاده از بحران‌ها برای اصلاح یا ایجاد سیاست‌های جدید؛

در چارچوب نظری پژوهش، «حکمرانی داده‌محور» و «پنجره‌های سیاستی» به عنوان دو لایه تحلیلی متمایز تعریف شده‌اند. با این حال، در مرحله عملیاتی‌سازی و به منظور افزایش انسجام تحلیلی و جلوگیری از هم‌پوشانی تجربی، این دو لایه در یک محور ترکیبی تحت عنوان «حکمرانی داده‌محور و پنجره‌های سیاستی» ادغام شده‌اند. این ادغام بر این فرض استوار است که هر دو مؤلفه در سطح تجربی، به‌طور هم‌زمان در قالب سازوکارهای یادگیری نهادی، پایش داده‌محور و اصلاح سیاستی در واکنش به بحران‌ها تجلی می‌یابند.

۵-۴-۲- روبریک امتیازدهی + تا ۴ (قاعده‌محور و باز تولیدپذیر)

امتیازدهی هر محور به صورت قاعده‌محور و با معیارهای عملیاتی مشخص انجام شد:

۰: فقدان سیاست یا عدم اشاره معتبر

۱: اشاره نمادین، بدون ابزار اجرایی و شاخص پایش

۲: وجود سیاست با اجرای غیرالزام‌آور یا ناقص (فاقد یکی از مؤلفه‌های کلیدی)

۳: ادغام نهادی با اجرای محدود و پوشش ناقص

۴: ادغام ساختاریافته و پاسخ‌گو، با تحقق هم‌زمان حداقل سه مؤلفه (مسئولیت نهادی مشخص و بین‌بخشی، سازوکار تخصیص منابع) (از جمله بودجه‌ریزی جنسیت‌محور)، شاخص‌های روشن و داده‌های تفکیک شده و نظام گزارش‌دهی و پاسخ‌گویی دوره‌ای)

در موارد مرزی یا شواهد ناقص، اصل احتیاط اعمال و امتیاز پایین‌تر اختصاص داده شد. خروجی تحلیل، ماتریس کشور × محور (۶×۱۰) و میانگین امتیاز هر کشور بود.

^۳ در سطح عملیاتی، به منظور افزایش دقت و قابلیت تفکیک در امتیازدهی، برخی ابعاد نظری به صورت مجزا سنجش شدند؛ به‌طور مشخص، مؤلفه‌های «عدالت توزیعی و بازشناسی» و «نمایندگی» که در چارچوب نظری در یک لایه تلفیق شده‌اند، در مرحله ارزیابی تجربی به صورت دو محور تفکیک شده عملیاتی‌سازی گردیدند.

۳-۴-۵- اعتبار و پایایی امتیازدهی

برای اطمینان از اعتبار و پایایی تحلیل، تمامی اسناد و سیاست‌ها توسط دو کدگذار مستقل بصورت مضاعف کدگذاری شد. درصد توافق اولیه میان کدگذاران ۸۵٪ و ضریب کاپا کوهن^۴ ۰/۸۱ بود، که طبق مطالعات Landis & Koch (۱۹۷۷) نشان‌دهنده پایایی بالا است. وزن‌دهی همه محورهای شش‌گانه برابر در نظر گرفته شد و تحلیل حساسیت با وزن متفاوت نشان داد نتایج تطبیقی تقریباً بدون تغییر باقی می‌ماند. امتیازدهی بر اساس روبریک ۴-۰ و با رعایت اصل احتیاط انجام شد تا شفاف، بازتولیدپذیر و بالاترین دقت علمی باشد.

۵-۵- فرایند ترجمه سیاستی و الگوسازی برای ایران

الگوسازی سیاستی برای ایران در این پژوهش در قالب یک فرآیند سه‌مرحله‌ای و نظام‌مند انجام شد. در گام نخست، سازوکارهای مشترک کشورهای دارای عملکرد بالا در نهادینه‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور—از جمله بودجه‌ریزی حساس به جنسیت، مشارکت نهادی مؤثر زنان، نظام‌های داده‌محور و سازوکارهای پاسخ‌گویی—از طریق تحلیل تطبیقی استخراج گردید. در گام دوم، این سازوکارها با توجه به شرایط نهادی ایران و بر اساس چهار فیلتر اصلی شامل امکان حقوقی—مقرراتی، ظرفیت نهادی—سازمانی، قابلیت داده‌ای و اجرایی، و میزان پذیرش فرهنگی—اجتماعی مورد سازگارسنجی قرار گرفتند تا قابلیت انتقال و بومی‌سازی آن‌ها ارزیابی شود. در نهایت، در گام سوم، سازوکارهای منتخب در قالب بسته‌های سیاستی قابل اجرا بازطراحی شدند که در آن‌ها پیش‌شرط‌های نهادی، نهادهای متولی، توالی زمانی اجرا (کوتاه‌مدت و میان‌مدت) و شاخص‌های پایش و ارزیابی به‌صورت مشخص تعریف شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که مسیر گذار از تحلیل تطبیقی به مداخله سیاستی عملیاتی، شفاف و قابل پیگیری باشد.

۵-۶- ملاحظات اخلاقی و محدودیت‌ها

تحلیل‌ها با رعایت اصول شفافیت، بازتولیدپذیری و دقت علمی انجام شد. هدف پژوهش، تبیین سازوکارهای نهادی مؤثر و قابل ترجمه برای سیاست‌گذاری است و نه استنتاج روابط علی. محدودیت‌های پژوهش شامل:

- کیفیت و ناهمگونی داده‌ها: تفاوت در جامعیت و کیفیت اسناد سیاستی میان کشورها ممکن است بر دقت مقایسه اثر بگذارد؛
- محدودیت تعمیم: نتایج بر اساس منطق «ترجمه سیاستی» ارائه شده و قابل تعمیم مستقیم نیست؛
- تحولات زمانی سیاست‌ها: برخی تغییرات اخیر ممکن است خارج از بازه تحلیل قرار گرفته باشند، هرچند بازه ۲۰۱۰-۲۰۲۴ برای پوشش تحولات کلیدی انتخاب شده است.

۶- تحلیل تطبیقی سیاست‌ها و ساختارها

هدف این بخش، شناسایی سازوکارهای نهادی—سیاستی مشترک است که در زمینه‌های متفاوت ملی به نهادینه‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور منجر شده‌اند، و تبیین منطق‌های سیاستی قابل ترجمه برای ایران بر اساس تحلیل تطبیقی نظام‌مند است. تحلیل تطبیقی حاضر بر شناسایی الگوها، سازوکارهای مشترک و منطق‌های سیاستی قابل ترجمه تمرکز دارد؛ این سازوکارها نسخه‌های کپی شده نیستند، بلکه قابلیت انطباق با شرایط حقوقی، نهادی و فرهنگی ایران را دارند. این بخش در یک توالی تحلیلی منسجم سامان یافته است: ابتدا با کنترل زمینه‌ای کمی (بخش ۶-۱)، شاخص‌های *GGI*، *HDI*، *INFORM* و *DRI* به‌عنوان پایه ساختاری کشورها به‌کار رفته‌اند تا زمینه مقایسه‌ای برابر برای تحلیل فراهم شود. استانداردسازی شاخص‌ها به طیف ۴-۰ انجام شد تا تفاوت‌های دامنه‌ای کشورها قابل مقایسه باشند. این کنترل صرفاً توصیفی است و به معنای رتبه‌بندی یا استنتاج علی نیست. سپس سیاست‌ها در شش محور نهادی چارچوب شش‌لایه پژوهش تحلیل می‌گردند (بخش ۶-۲)؛ تمرکز بر شناسایی سازوکارهای موفق و ناکارآمد و نه مقایسه صرف کشورها می‌باشد. در ادامه، تلفیق کمی—کیفی (بخش ۶-۳) از طریق امتیازدهی استاندارد و نقشه حرارتی، پیوند میان داده‌های شاخصی و تحلیل محتوای سیاست‌ها را روشن می‌کند. این رویکرد امکان شناسایی خوشه‌های عملکرد، الگوهای انتقالی و شکاف‌های سیاستی را بدون استنتاج روابط علی فراهم می‌آورد. و در نهایت (بخش ۶-۴)، سازوکارهای موفق استخراج شده و تحلیل تلفیقی نتایج، الگوهای مشترک نهادی—سیاستی را شناسایی می‌کند که شامل الزام حقوقی—مالی، مشارکت نهادی چندسطحی، ظرفیت‌سازی پیوندخورده با ساختار، داده‌محوری پاسخ‌گو و یادگیری سیاستی مبتنی بر بحران هستند.

⁴ Cohen's Kappa

۶-۱- تحلیل مقایسه‌ای شاخص‌های زمینه‌ای

به منظور کنترل زمینه‌ای و تقویت بعد کمی تحلیل تطبیقی، چهار شاخص بین‌المللی به عنوان خطاپایه ساختاری کشورها به کار گرفته شد: *GGI* برای سنجش نابرابری‌های جنسیتی، *HDI* به عنوان نماینده ظرفیت‌های توسعه انسانی، *INFORM Risk Index* برای برآورد ریسک چندبعدی سوانح و ظرفیت مواجهه نهادی، و *DRI* برای سنجش سطح کلی ریسک و آسیب‌پذیری در برابر سوانح. داده‌های این شاخص‌ها در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ از منابع معتبر بین‌المللی استخراج شده‌اند (*World Economic Forum, 2024; UNDP, 2024; INFORM, 2024; UNDRR, 2024*).
ترتیبی ۰ تا ۴ نگاشت شد؛ به گونه‌ای که ۰ بیانگر وضعیت بسیار ضعیف و ۴ نشان‌دهنده وضعیت مطلوب و نسبتاً نهادینه‌شده در همان شاخص است. جهت شاخص‌ها نیز لحاظ شد: در *GGI* و *HDI* مقدار بالاتر نشان‌دهنده وضعیت بهتر و در *INFORM* و *DRI* مقدار بالاتر نشان‌دهنده ریسک یا آسیب‌پذیری بیشتر است؛ بنابراین نمره‌دهی برای این دو شاخص به صورت معکوس اعمال شد. این استانداردسازی صرفاً برای کنترل زمینه‌ای و تولید یک خطاپایه کمی برای تحلیل تطبیقی انجام شده و هیچ تحلیل علی مستقیم میان شاخص‌های زمینه‌ای و امتیازهای سیاستی صورت نگرفته است. میانگین نهایی هر کشور از چهار شاخص محاسبه شده و تنها به منظور مقایسه تطبیقی و نه رتبه‌بندی یا ارزیابی عملکرد ملی است. جدول ۲ مقادیر واقعی شاخص‌ها، نمره‌های استاندارد و میانگین نهایی کشورها را نشان می‌دهد و پایه‌ای برای تحلیل تطبیقی و استخراج سازوکارهای قابل ترجمه برای طراحی مدل سیاستی ایران در بخش هفتم مقاله است.

جدول ۲: مقادیر واقعی شاخص‌ها و نمره‌گذاری استاندارد شده کشورها

کشور	GGI (0-1)	HDI (0-1)	INFORM (0-10)	DRI (0-100)	نمره GGI	نمره HDI	نمره INFORM	نمره DRI	میانگین نهایی
نیوزلند	۰/۸۳۵	۰/۹۳۸	۱/۵۲	۱۴/۳۴	۳	۴	۴	۴	۳/۷۵
کانادا	۰/۸۱۶	۰/۹۳۹	۱/۹۳	۱۸/۸۹	۳	۴	۴	۴	۳/۷۵
ژاپن	۰/۶۶۳	۰/۹۲۵	۲/۴۱	۲۰/۹۴	۲	۴	۳	۳	۳/۰۰
مکزیک	۰/۷۶۸	۰/۷۸۱	۳/۸۹	۳۵/۹۳	۲	۲	۳	۲	۲/۲۵
فیلیپین	۰/۷۷۹	۰/۷۱۰	۴/۶۵	۴۶/۹۱	۲	۲	۲	۱	۱/۷۵
هند	۰/۶۴۱	۰/۶۴۴	۴/۰۷	۴۰/۹۶	۱	۱	۲	۱	۱/۲۵
نپال	۰/۶۶۴	۰/۶۰۲	۴/۳۹	۱۴/۶۰	۲	۱	۲	۴	۲/۲۵
پاکستان	۰/۵۷۰	۰/۵۴۴	۲/۶۸	۲۷/۰۲	۱	۰	۳	۳	۱/۷۵
بنگلادش	۰/۶۸۹	۰/۶۷۰	۲/۷۱	۲۷/۷۳	۲	۱	۳	۳	۲/۲۵
مصر	۰/۶۲۹	۰/۷۳۱	۱/۸۹	۱۸/۷۸	۱	۲	۴	۴	۲/۷۵

۶-۲- تحلیل تطبیقی سیاست‌ها در شش محور نهادی

تحلیل تطبیقی سیاست‌های تاب‌آوری جنسیت‌محور در کشورهای منتخب بر اساس شش محور نهادی چارچوب شش‌لایه پژوهش انجام شد: عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع، مشارکت و بازشناسی نهادی، قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی، تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی، ساختار قدرت و حکمرانی جنسیتی، و جریان سیاست‌گذاری و پنجره‌های فرصت. هدف اصلی شناسایی الگوهای موفق و ناکارآمد سیاستی و سازوکارهای نهادی در هر محور است و نه توصیف کشورها به صورت منفرد. داده‌های تفصیلی، مصادیق اجرایی و امتیازدهی مبتنی بر روبریک ۴-۰ در «پروفایل‌های سیاستی کشورها» (جدول ۳) ارائه شده است. امتیازهای جدول ۳ صرفاً برای مقایسه تطبیقی سطح نهادینه‌سازی سیاست‌ها به کار رفته و به معنای رتبه‌بندی عملکرد کشورها نیست.

۶-۲-۱- عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع

سازوکارهای الزام‌آور برای بودجه‌ریزی حساس به جنسیت نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از بازتولید نابرابری پساحران دارند. کشورهایی که تحلیل اثرات جنسیتی را نهادی و اجرایی کرده‌اند، بازتوزیع منابع را از سطح توصیه‌ای به سیاست‌های عادلانه تبدیل کرده‌اند. کشورهای فاقد این

سازوکار، صرفاً اسناد گفتمانی دارند، به ابزارهای مالی و اجرایی متصل نشده است و عدالت جنسیتی در عمل محدود است؛ این الگو در امتیازهای پایین جدول ۳ مشهود است.

۶-۲-۲- مشارکت و بازشناسی نهادی

حضور زنان و کنشگران محلی در ساختارهای رسمی تصمیم‌گیری، شاخص مشارکت واقعی است. در کشورهایی که این مشارکت الزام‌آور و نهادی شده، ظرفیت بالاتری برای سیاست‌گذاری پاسخ‌گو و پایدار دارند. در مقابل، بسیاری از کشورها مشارکت زنان را به پروژه‌های محدود یا خدمات محلی محدود کرده‌اند و در سطوح کلان بازنمایی نهادی ندارند؛ این الگو در امتیازهای پایین جدول ۳ مشاهده می‌شود.

۶-۲-۳- قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی

توانمندسازی پایدار، زمانی حاصل می‌شود که آموزش‌ها و مداخلات مهارت‌محور فردی با تقویت ظرفیت نهادی و پشتیبانی سیاستی همزمان اجرا شوند. کشورهایی که این همزمانی را اعمال کرده‌اند، توانمندسازی فراتر از پروژه‌های موقت رفته و بخشی از نظام رسمی مدیریت بحران شده است. تمرکز صرف بر مداخلات کوتاه‌مدت یا منطقه‌ای بدون اتصال نهادی، منجر به نتایج ناپایدار می‌شود؛ این تفاوت در جدول ۳ منعکس است.

۶-۲-۴- تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی

سرمایه اجتماعی زنان در جوامع محلی، یکی از منابع مؤثر تاب‌آوری غیررسمی است. تفاوت قابل توجهی میان کشورها در ترجمه این ظرفیت به سیاست‌های رسمی و سازوکار نهادی مشاهده شد. در کشورهایی که سازوکارهای شناسایی، حمایت و تعمیم این سرمایه طراحی نشده، تاب‌آوری در سطح محلی باقی می‌ماند و یادگیری سیاستی در سطح ملی رخ نمی‌دهد؛ این الگو در پروفایل کشورهای انتقالی مشخص است.

۵-۲-۶- ساختار قدرت و حکمرانی جنسیتی

کیفیت حکمرانی جنسیتی بیش از ظرفیت فنی، بر نهادهای سیاست‌سازی جنسیت‌محور اثرگذار است. کشورهایی با تصمیم‌گیری مشارکتی، شفاف و پاسخ‌گو توانسته‌اند ملاحظات جنسیتی را وارد سیاست‌های بحران کنند. تمرکز قدرت، مردسالاری نهادی و فقدان سازوکار نظارتی حتی در کشورهایی با ظرفیت فنی بالا، مانع تحقق حکمرانی پاسخ‌گو شده است؛ این الگو در امتیازهای پایین‌تر جدول ۳ مشاهده می‌شود.

۶-۲-۶- جریان سیاست‌گذاری و پنجره‌های فرصت

بحران‌ها تنها زمانی به فرصت اصلاح سیاستی تبدیل می‌شوند که سازوکارهای نهادی یادگیری و بازنگری از پیش وجود داشته باشد. کشورهایی که تجربه سوانح گذشته را برای اصلاح ساختاری سیاست‌ها به کار گرفته‌اند، موفق‌تر در ادغام ملاحظات جنسیتی عمل کرده‌اند. غیاب اراده سیاسی و نبود سازوکار یادگیری نهادی، حتی در مواجهه با بحران‌های بزرگ، مانع تغییر پایدار سیاستی شده است؛ این الگو در امتیازهای پایین جدول ۳ مشاهده می‌شود.

تحلیل تطبیقی شش محور نهادی نشان می‌دهد که تاب‌آوری جنسیت‌محور نتیجه هم‌افزایی میان عدالت مالی، مشارکت نهادی، ظرفیت‌سازی، سرمایه اجتماعی، حکمرانی پاسخ‌گو و یادگیری سیاستی است. پروفایل‌های سیاستی کشورها (جدول ۳) مبنای تلفیق کمی-کیفی، شناسایی خوشه‌های عملکرد و استخراج الگوهای قابل ترجمه برای طراحی مدل سیاستی ایران در بخش ۷ هستند.

۳-۶- تلفیق کمی-کیفی: جدول امتیازدهی و نقشه حرارتی سیاست‌ها

برای افزایش شفافیت تحلیل و ایجاد پیوند نظام‌مند میان یافته‌های کیفی و شواهد کمی، نتایج تحلیل تطبیقی شش محور نهادی (۶-۲) در جدول امتیازدهی استاندارد (جدول ۳) تجمیع شد. این جدول بر اساس روبریک قاعده‌محور ۰-۴ تعریف‌شده در بخش روش‌شناسی و با رعایت اصل احتیاط در موارد مرزی تهیه شده است. امتیازهای جدول ۳ نشان‌دهنده سطح نهادهای سیاستی در هر محور هستند و بیانگر وسعت، شدت یا تنوع برنامه‌های اجرایی کشورها نیستند. این جدول، خلاصه‌ای ساخت‌یافته از تحلیل کیفی محسوب می‌شود و جایگزین تحلیل متن نمی‌شود. به منظور تسهیل خوانش تطبیقی، داده‌های جدول ۳ در قالب نقشه

حرارتی^۵ سیاست‌ها (شکل ۱) بازنمایی شده‌اند. این بازنمایی امکان مشاهده هم‌زمان عملکرد کشورها در شش محور، تشخیص خوشه‌های عملکرد بالا، الگوهای انتقالی و شناسایی شکاف‌های سیاستی پایدار را فراهم می‌کند. طیف رنگی به‌گونه‌ای طراحی شده که امتیاز ۰ بیانگر فقدان سیاست یا سازوکار مستند و امتیاز ۴ نشان‌دهنده ادغام ساختاریافته، نهادی و پاسخ‌گو است. این رویکرد، بدون اتکا به آزمون‌های آماری استنتاجی یا ادعای روابط علی، به‌عنوان سازوکار تحلیلی برای افزایش شفافیت و کاهش سوگیری تفسیری به‌کار گرفته شده است. در نهایت، جدول امتیازدهی و نقشه حرارتی مبنای شناسایی خوشه‌های سیاستی، استخراج سازوکارهای مشترک موفق و تمایز الگوهای نهادی پایدار از مداخلات مقطعی در بخش ۴-۶ هستند و پیوند مستقیمی میان تحلیل تطبیقی و فرآیند الگوسازی سیاستی ایران در بخش هفتم ایجاد می‌کنند.

جدول ۳- پروفایل سیاستی هر کشور (Case profiles)

نام کشور	محور تحلیل	تحلیل کیفی مختصر	امتیاز (۰-۴)	منابع کلیدی
۱- نیوزلند	عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع	نیوزلند از سال ۲۰۲۱ بودجه‌ریزی با دیدگاه جنسیتی (ابتکار <i>Bringing Gender In</i>) را اجرا کرده است. در برنامه‌های بازسازی پس از زلزله کرایست‌چرچ و کووید-۱۹، تخصیص منابع با در نظر گرفتن نیازهای جنسیتی تنظیم شد. وزارت زنان و خزانه‌داری داده‌های تفکیک‌شده جنسیتی منتشر می‌کنند تا اثرات سیاست‌ها به طور شفاف رصد شود.	۴	OECD (2022); NZ Treasury Wellbeing Budget (2021); UNDRR NZ Country Report (2020)
	مشارکت و بازشناسی	دولت متعهد به مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقلیمی و مدیریت سوانح است. در سند ملی تاب‌آوری، بر دیدگاه بومیان (<i>Māori</i>) و تحلیل جنسیتی تأکید شده است. لایحه جدید مدیریت اضطراری (<i>Emergency Management Bill</i>) ۲۰۲۵ - ۲۰۲۳ - افق اجرای الزامات قانونی برای مشارکت زنان، سازمان‌های محلی و بومی ایجاد کرده است.	۴	Ministry for Women NZ (2023); UN Women NZ Report (2022); NEMA (2023)
	قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی	برنامه‌های هدفمند توانمندسازی شامل کمپین ملی "Get Ready" و نهاد توسعه مائوری (<i>Te Puni Kōkiri</i>) برای زنان بومی و مناطق روستایی طراحی شده است. ارتقای سواد بحران زنان از اولویت‌هاست، اگرچه برخی جوامع دورافتاده با چالش پوشش کامل خدمات و آموزش روبه‌رو هستند.	۳/۵	National Emergency Management Agency (NEMA) (2022); Stats NZ (2023)
	تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی	راهبرد ملی تاب‌آوری، اهمیت پشتیبانی از شبکه‌های اجتماعی و زنان را برجسته کرده است. شبکه‌های محلی با رهبری زنان (<i>Pacific Women Networks</i>) نقش کلیدی در واکنش به طوفان‌ها و حوادث ایفا می‌کنند. تاب‌آوری در جوامع بومی از طریق مدل‌های مشارکت چندنسلی مبتنی بر <i>Marae</i> تقویت می‌شود.	۴	UNDRR (2020); Joint Centre for Disaster Research (JCDR) - Massey University (2021)
	ساختار قدرت و حکمرانی جنسیتی	زنان در سطح کابینه، شهرداری‌ها و نهادهای راهبری مدیریت بحران حضور چشمگیر دارند. قوانین تبعیض‌آمیز حذف شده و حسابرسی در نهادهای دولتی به یک رویه رسمی تبدیل شده است.	۳/۵	NZ Government Cabinet Gender Audit (2022); Local Government NZ (2023)
	جریان سیاست‌گذاری و پنجره فرصت	پس از زلزله کرایست‌چرچ (۲۰۱۱) و پاندمی کووید-۱۹، دولت اصلاحات ساختاری در نظام مدیریت بحران با لحاظ کردن لنز تقاطعی (جنسیت و قومیت) انجام داد. انتشار داده‌های تفکیکی و نظام فعال ارزیابی و بازنگری، پویایی پنجره فرصت را نشان می‌دهد.	۴	Canterbury Earthquake Recovery Review (2019); COVID-19 Gender Impact Study (2021); DPMC (2022)
جمع کل امتیاز از ۲۳: ۳۴ میانگین کل: ۳/۸۳ نیوزیلند با ترکیب بودجه‌ریزی جنسیتی الزام‌آور، مشارکت نهادی زنان، توانمندسازی فردی، سرمایه اجتماعی محلی و حکمرانی پاسخ‌گو، نمونه‌ای کامل از نهادینه‌سازی پایدار تاب‌آوری جنسیت محسوب می‌شود.				
۲- کانادا	عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع	تحلیل اثرات جنسیتی (+GBA) در سیاست‌های فدرال طی زمان به‌عنوان یک الزام تکامل یافته است. قانون «بودجه‌ریزی پاسخ‌گو به جنسیت» (۲۰۱۸) تضمین می‌کند که توزیع منابع در شرایط بحران نیز جنسیت‌محور و مبتنی بر عدالت باشد.	۴	Government of Canada (\$2018\$); WAGE Canada; OECD (2022); UN Women (2023)
	مشارکت و بازشناسی	نهادهایی مانند سازمان امنیت عمومی کانادا بر مشارکت معنادار زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری تأکید دارند. وزارت زنان و برابری جنسیتی (<i>WAGE</i>) در برنامه‌های	۴	WAGE Canada (2022); Canadian Red Cross;

⁵ Heatmap

جدول ۳- پروفایل سیاستی هر کشور (Case profiles)

نام کشور	محور تحلیل	تحلیل کیفی مختصر	امتیاز (۴-۰)	منابع کلیدی
		بودجه‌ای اخیر حمایت مالی از سازمان‌های زنان و ارتقای مشارکت آنان در رهبری را در اولویت قرار داده است.		UNDRR Canada Profile (2020)
	قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی	برنامه‌هایی برای توانمندسازی زنان در مواجهه با بحران‌ها در سطح فدرال، استانی و بومی طراحی شده‌اند. بنیاد زنان کانادا پروژه‌هایی برای مستندسازی خلأهای جنسیتی در آمادگی اضطراری و ارائه راه‌حل‌های عملیاتی اجرا کرده است.	۴	Public Safety Canada (2021); Indigenous Services Canada (2022); Canadian Women's Foundation (2023)
	تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی	مدل حکمرانی چندسطحی کانادا، مشارکت نهادهای محلی، شهرداری‌ها و جوامع بومی را نهادینه کرده است. مفاهیمی چون رویکرد کل‌نگر (Whole-of-Society Approach) و چارچوب فراگیری (Inclusion Framework) به‌طور رسمی در سیاست‌های مدیریت بحران و کاهش خطر سوانح وارد شده‌اند.	۳/۵	UNDRR Canada Report (2020); Federation of Canadian Municipalities (2021); Public Safety Canada (2022)
	ساختار قدرت و حکمرانی جنسیتی	ساختار فدرال، داده‌محور و پاسخ‌گوست. زنان در مناصب کلیدی حوزه مدیریت بحران، از جمله در رهبری خدمات اضطراری حضور دارند. با این حال، سهم زنان در مناصب مدیریتی ارشد این حوزه هنوز نیازمند ارتقا است و در هماهنگی‌های جنسیتی برخی استان‌ها شکاف‌هایی باقی است.	۳/۵	Statistics Canada (2023); Government of Canada Open Data; HDI & INFORM Index Reports (2022-2-2023)
	جریان سیاست‌گذاری و پنجره فرصت	تجربه‌های بحرانی مانند سیلاب‌های کبک و آتش‌سوزی‌های آلبرتا فرصت‌هایی برای ادغام ملاحظات جنسیتی در سیاست‌های کلان ایجاد کرده است. استراتژی ملی سازگاری کانادا (۲۰۲۲) به‌طور ویژه بر عدالت اجتماعی و جنسیتی در تاب‌آوری اقلیمی تأکید می‌کند.	۴	Environment and Climate Change Canada (2023); National Adaptation Strategy (2022); UNDRR (2020); GBA+ Framework Docs
جمع کل امتیاز از ۲۴: ۲۳ میانگین کل: ۳/۸۳ کانادا به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین کشورها در زمینه ادغام ملاحظات جنسیتی در مدیریت بحران، الگوی سیاست‌گذاری ترکیبی ساختاری-اجتماعی را دنبال می‌کند. حضور هم‌زمان نهادهای رسمی، جوامع بومی، زنان رهبر، و تحلیل‌های داده‌محور، ساختار DRR این کشور را از منظر جنسیتی قابل‌تحلیل و مؤثر ساخته است.				
۳-ژاپن	عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع	دولت ژاپن با تصویب قوانین مربوط به برابری جنسیتی و تدوین دستورالعمل‌های رسمی (۲۰۲۰) و برنامه‌های کلان تلاش کرده دیدگاه جنسیتی را وارد مدیریت بحران نماید. با این حال تخصیص بودجه و منابع اغلب ملاحظات جنسیتی را لحاظ نمی‌کند و اقدامات موجود بیشتر خودجوش و محلی هستند.	۲/۵	Gender Equality Bureau (2021); UN Women Japan (2022); Cabinet Office of Japan – DRR White Paper (2020)
	مشارکت و بازشناسی	مشارکت سازمان‌ها و شکل‌های زنان در سطح محلی به‌ویژه پس از زلزله توهوگو (۲۰۱۱) مشهود است. در سطوح عالی تصمیم‌گیری، سهم زنان محدود است و هیچ سازوکار الزام‌آور ساختاری برای مشارکت آنان وجود ندارد.	۲	Takamura (2018), "Gender and DRR in Japan"; JICA Reports (2020); Japan CSO Coalition for 2030 (2021)
	قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی	از سال ۲۰۱۶ برخی برنامه‌های آموزشی ویژه زنان سالمند و آسیب‌پذیر اجرا شده‌اند، اما پوشش جغرافیایی محدود است و اغلب پروژه‌محور باقی مانده‌اند. ظرفیت‌سازی بلندمدت، به‌ویژه در مناطق روستایی، نیازمند تقویت است.	۲/۵	IFRC Asia-Pacific Gender Policy Scan (2021); Japan International Cooperation Agency (JICA) – GAD Projects Report (2022)
	تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی	شبکه‌های محلی زنان در بازسازی پس از سوانح مؤثر بوده‌اند، اما ارتباط نظام‌مند میان سیاست‌های ملی DRR و سرمایه اجتماعی زنان ضعیف است و تجارب موفق محلی کمتر به سیاست‌های کلان انتقال یافته‌اند.	۲/۵	Miyagi Prefecture Gender Equality Review (2017); OECD Resilience Reviews: Japan (2019); UNDRR GAR Report (2022)
	ساختار قدرت و حکمرانی جنسیتی	ساختارهای رسمی مدیریت بحران مردسالار و سلسله‌مراتبی باقی مانده است. در سطوح بالا، مشارکت زنان محدود است و تمرکز قدرت در ساختارهای عمودی، نفوذ کنشگران زن را محدود کرده است.	۲	UN Women Asia-Pacific (2020); Gender Equality Bureau – Policy Assessment 2023; Nippon Foundation Gender Index (2022)
	جریان سیاست‌گذاری و پنجره فرصت	بحران‌هایی مانند زلزله‌ها و سونامی‌ها فرصت‌هایی برای گنجاندن ملاحظات جنسیتی فراهم کرده‌اند، اما سیاست‌گذاری DRR هنوز غالباً فنی و محدود به چارچوب‌های رسمی است و داده‌های تفکیکی جنسیتی به‌صورت نظام‌مند استفاده نمی‌شوند.	۲/۵	Cabinet Office – Disaster Management Guidebook (2022); UNDRR Sendai Monitoring Reports (2020–2023); Asia-Pacific GAD Scan
جمع کل امتیاز از ۲۴: ۱۴ میانگین کل: ۲/۳۳ ژاپن علی‌رغم ظرفیت فنی قوی و تجارب محلی موفق، به دلیل فقدان سازوکارهای الزام‌آور ملی و ساختارهای سلسله‌مراتبی، نتوانسته تاب‌آوری جنسیت‌محور را به سیاست‌های کلان و پایدار DRR				

جدول ۳- پروفایل سیاستی هر کشور (Case profiles)

نام کشور	محور تحلیل	تحلیل کیفی مختصر	امتیاز (۰-۴)	منابع کلیدی
نهادینه کند.				
فیلیپین	عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع	قانون اساسی منشور زنان RA 9710, 2009 حکومت را موظف به بازتوزیع عادلانه منابع و اختصاص حداقل ۵ درصد از بودجه هر نهاد دولتی به طرح‌ها و برنامه‌های جنسیتی می‌کند. بودجه‌ریزی جنسیتی برای تمام نهادهای ملی و محلی اجباری است. برخی مناطق با داده‌های ناقص و ظرفیت اجرایی محدود مواجه‌اند.	۳/۵	Republic Act No. 9710; PCW – GAD Budget Guidelines (2022); UN Women Philippines (2023)
	مشارکت و بازشناسی	کمیسیون امور زنان فیلیپین (PCW) نقشی فعال در طراحی سیاست‌ها دارد. آیین‌نامه‌های اجرایی منشور زنان (۲۰۱۱)، مشارکت زنان در شوراهای بحران ملی، منطقه‌ای و محلی را الزام‌آور کرده‌است. قانون مدیریت بحران (RA 10121, 2010) نقش ناظران جنسیتی و همکاری سازمان‌های مدنی را تضمین می‌کند.	۳/۵	PCW Reports (2021); Department of Interior & Local Government (DILG) Circulars; ADB Gender Review (2022)
	قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی	برنامه‌هایی مانند فضاهای دوستدار زنان (Women-Friendly Spaces)، دوره‌های آموزشی DRR و پروژه‌های تاب‌آوری برای زنان بومی در مناطق پرخطر اجرا شده‌اند. تمرکز بر ارتقای مهارت، دانش و اعتمادبه‌نفس زنان در مواجهه با بحران‌ها بسیار بالاست.	۳/۵	UNFPA Philippines (2019); Save the Children – Women Resilience Project (2022); USAID DRR Gender Reports
	تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی	زنان در سازمان‌های محلی، شبکه‌های داوطلبی، و پاسخ‌های اجتماعی نقشی کلیدی دارند. پس از Typhoon Haiyan (۲۰۱۳) الگوهای موفق بازسازی جامعه‌محور با رهبری زنان مستندسازی و بخشی از سیاست‌های کلان شده‌اند، اما در برخی مناطق نیاز به نهادسازی پایدار وجود دارد.	۴	UNDRR GAR (2022); CARE Philippines – Women in DRR (2021); Humanitarian Response Plan Reports (2014-2020)
	ساختار قدرت و حکمرانی جنسیتی	ساختارهای DRR شامل نهادهای هماهنگ‌کننده با حضور نمایندگان جنسیتی است. کمیسیون حسابرسی (COA) بر اجرای بودجه‌های GAD نظارت دارد و پاسخگویی نهادی تقویت شده است. در مناطق دورافتاده، مردسالاری و ضعف ظرفیت نهادی هنوز چالش برانگیز است.	۳	National DRRM Plan (2020); COA Audit Reports on GAD Implementation; UN Women Asia-Pacific (2021)
	جریان سیاست‌گذاری و پنجره فرصت	فجایع گسترده نظیر طوفان Haiyan، پنجره‌هایی برای اصلاحات جنسیتی در DRR ایجاد کرده‌اند. سیاست‌هایی مانند Gender-responsive Recovery Framework پس از بحران‌ها تدوین شده و فرصت‌های بحرانی برای تغییر پارادایم سیاست‌گذاری به‌طور موثر مورد استفاده قرار گرفته است.	۳/۵	UN OCHA Philippines – Lessons from Haiyan (2015); PCW-GAD DRR Toolkit; National Adaptation Plan (2022)
جمع کل امتیاز از ۲۴: ۲۱ میانگین کل: ۳/۵ فیلیپین با ترکیب قوانین پیشرو، نهادهای رسمی و مدنی فعال و تجارب محلی موفق، تاب‌آوری جنسیتی را در سطح ملی نهادینه کرده و می‌توان از آن به‌عنوان یک الگوی پیشرفته و قابل اقتباس جهانی در مدیریت بحران جنسیت‌محور یاد کرد.				
هند	عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع	با وجود Disaster Management Act (۲۰۰۵)، بازتوزیع منابع جنسیت‌محور در سطح ملی ساختاری نیست. در برخی ایالت‌ها (Kerala, Odisha) اقدامات هدفمند اجرا شده، اما در مناطق روستایی و ملی شکاف تخصیص منابع بسیار زیاد است.	۲/۵	NDMA Guidelines (2019); UN Women India (2020); Oxfam India – Gender in DRR (2021)
	مشارکت و بازشناسی	برنامه‌هایی مانند Mahila Mandals و Self Help Groups (SHGs) بستر قوی مشارکت غیررسمی زنان ایجاد کرده‌اند. اما حضور زنان در نهادهای تصمیم‌گیر محدود و اغلب نمادین است.	۲/۵	Ministry of Women & Child Development (2021); CARE India DRR Programs; WCD Annual Report (2022)
	قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی	برنامه‌های توان‌افزایی از جمله CBDRR، و آموزش مدیریت بحران برای زنان روستایی در ایالت‌هایی چون Bihar اجرا شده‌اند. اما پوشش ملی محدود و فاقد نظام ارزیابی منسجم است.	۳	UNDP India DRR Projects; SEEDS India – Women Resilience Reports; NDMA Training Modules (2020)
	تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی	زنان در سازماندهی امداد، مراقبت اجتماعی و بازسازی پس از بحران‌ها نقش فعالی دارند، اما این تاب‌آوری بیشتر محصول سنت‌های محلی و شبکه‌های همبستگی است و نهادینه نشده است.	۳	IFRC India – Community Resilience Case Studies; UN Women (2019); SEWA India Reports
	ساختار قدرت و حکمرانی جنسیتی	ساختار فدرال هند باعث ناهمگونی عملکرد ایالت‌ها شده است. در برخی مناطق، نهادهای محلی با رویکرد جنسیت‌محور عمل می‌کنند، اما در اکثر نقاط، ساختارهای DRR مردسالار باقی مانده و شفافیت و پاسخگویی محدود است.	۲/۵	NDMA Reports (2022); Oxfam India Governance Index; Gender Equality Index by IndiaSpend (2023)
	جریان سیاست‌گذاری و	فجایع بزرگ مانند زلزله گجرات (۲۰۰۱) و سیلاب کرا (۲۰۱۸) فرصت‌هایی برای	۲/۵	Kerala State DRR Policy; Gujarat Recovery Plans;

جدول ۳- پروفایل سیاستی هر کشور (Case profiles)

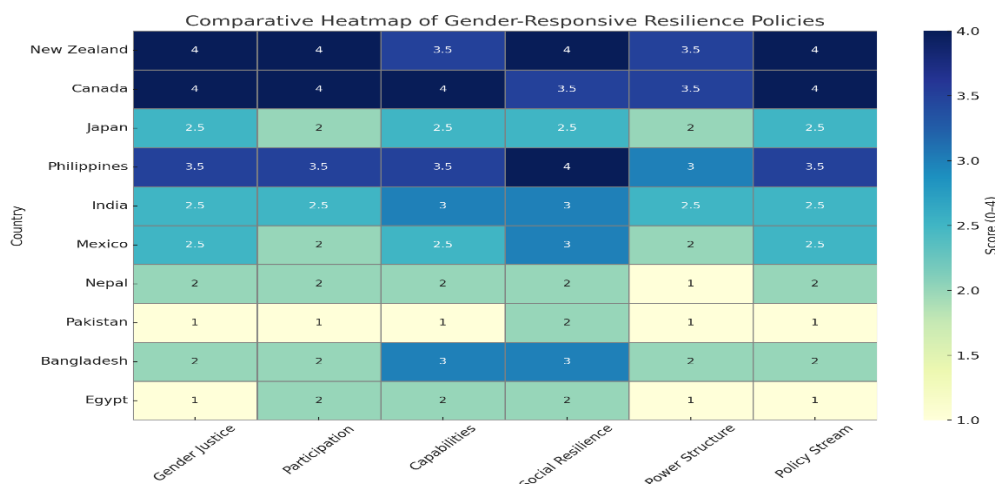
نام کشور	محور تحلیل	تحلیل کیفی مختصر	امتیاز (۴-۰)	منابع کلیدی
	پنجره فرصت	اصلاحات محلی ایجاد کرده‌اند، اما مفاهیم جنسیتی در سطح ملی سیستماتیک نشده و ابتکارات محلی پراکنده باقی مانده‌اند.		UNDRR India Country Profile (2022)
جمع کل امتیاز از ۲۴: ۱۶ میانگین کل: ۲/۷۵ هند با وجود ظرفیت محلی و شبکه‌های فعال زنان، تاب‌آوری جنسیت‌محور هنوز بیشتر منطقه‌ای و پروژه‌ای است و برای نهادینه شدن نیازمند سازگاری ملی و هماهنگی ساختاری میان ایالت‌ها و نهادهای مرکزی است.				
۶- مکزیک	عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع	برنامه‌های ملی مانند Programa para la Igualdad entre Mujeres y Hombres اجرا شده‌اند، اما در بازتوزیع منابع بحران، شکاف میان مناطق شهری و بومی محسوس است و عدالت جنسیتی در بازسازی پس از بحران هنوز نظام‌مند نشده است.	۲/۵	CONAVIM (2020); UN Women Mexico (2022); CENAPRED Reports on Gender and Disasters
	مشارکت و بازشناسی	نهادهایی مانند INMUJERES نقش فعال در سیاست‌گذاری بحران دارند. پس از زلزله‌های ۲۰۱۷، مشارکت جامعه‌محور زنان افزایش یافته، اما در سطح رسمی حضور زنان بیشتر نمادین و قدرت تصمیم‌گیری محدود باقی مانده است.	۲	INMUJERES Annual Report (2019); Oxfam Mexico; World Bank (2022) Gender Inclusion in DRR
	قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی	برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی با همکاری UNDP و Oxfam در مناطق پرریسک اجرا شده‌اند، اما تداوم و نظام ارزیابی اثربخشی آن‌ها در سطح ملی محدود است.	۲/۵	UNDP Mexico Projects; Gender Equality Observatory (CEPAL); Oxfam Mexico Resilience Programs
	تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی	شبکه‌های زنان محلی به‌ویژه در Oaxaca پس از زلزله‌های ۲۰۱۷ نقش کلیدی در بازسازی داشتند، اما این تجربیات بیشتر محلی و پروژه‌ای بوده و در سیاست‌های رسمی نهادینه نشده‌اند.	۳	WEDO Case Studies on Mexico (2021); UN Women – Community Resilience Mexico; REDMUS Women's Networks
	ساختار قدرت و حکمرانی جنسیتی	ساختارهای رسمی DRR در سطح ملی گاهی مشارکت‌پذیر هستند، اما در سطوح ایالتی و محلی، نابرابری جنسیتی مشهود است. سیاست‌ها غالباً بالا به پایین طراحی می‌شوند و هماهنگی نهادی محدود است.	۲	CENAPRED (2020); Gender and Governance Report – UNDP Mexico; GIZ Mexico Gender Review (2022)
	جریان سیاست‌گذاری و پنجره فرصت	زلزله‌های ۲۰۱۷ به‌عنوان فرصت سیاستی عمل کردند. موضوع جنسیت در اسناد DRR و Plan Nacional de Desarrollo لحاظ شده، اما ضمانت اجرایی و مشارکت جامعه مدنی با سطوح رسمی هنوز پراکنده است.	۲/۵	Government of Mexico – PND (2020–2024); UNDRR Mexico; Equidad de Género AC Reports on Policy Gaps
جمع کل امتیاز از ۲۴: ۱۴/۵ میانگین کل: ۲/۴۲ مکزیک با ظرفیت‌های محلی و شبکه‌های زنان در بازسازی بحران‌ها تجربه‌های ارزشمند دارد، اما عدم نهادینه‌سازی این تجربیات در سیاست ملی، نبود نظام ارزیابی پایدار و مشارکت محدود زنان در تصمیم‌گیری ساختاری مانع تحقق تاب‌آوری جنسیت‌محور در سطح کلان شده است. این کشور نمونه‌ای هشداردهنده برای کشورهای است که شکاف هماهنگی میان سطوح محلی و ملی دارند.				
۷- نپال	عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع	قانون اساسی نپال (۲۰۱۵) اصول برابری جنسیتی را تصریح کرده است، اما ساختارهای اجتماعی و شکاف جغرافیایی باعث شده‌اند بازتوزیع منابع در بحران‌ها به‌طور کامل حساس به جنسیت نباشد.	۲	Constitution of Nepal (2015); UN Women Nepal (2020); ADB Gender Equality Brief – Nepal
	مشارکت و بازشناسی	پس از زلزله ۲۰۱۵ چارچوب‌هایی برای مشارکت جوامع محلی تعریف شد، اما حضور زنان در نهادهای تصمیم‌گیر (ملی و محلی) محدود و بیشتر عملیاتی باقی مانده است. نهادهای مردسالار غالب و چارچوب الزام‌آور مشارکت برابر وجود ندارد.	۲	Bhandari (2021), UNDRR Nepal Reports; Ministry of Home Affairs – National DRR Policy (2018)
	قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی	برنامه‌های آموزش، مهارت‌آموزی و ارتقای آگاهی زنان با همکاری UN Women، NRCS و سازمان‌های بومی اجرا شده‌اند، اما پوشش جغرافیایی محدود و تداوم آن‌ها ضعیف است. مناطق روستایی هنوز با شکاف در دسترسی به اطلاعات و منابع مواجه‌اند.	۲	NRCS Programs; UN Women Nepal (2020); Oxfam Resilience Training Reports (2019)
	تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی	گروه‌های زنان محلی (مانند تعاونی‌های زنان) در زلزله ۲۰۱۵ نقش کلیدی در امداد و بازسازی داشتند، اما این ظرفیت‌ها در سیاست‌های رسمی انعکاس نیافته و تاب‌آوری بیشتر محصول کنش‌گری خودجوش است تا حمایت ساختاری دولت.	۲	WEDO – Gender and Disaster Case Studies (Nepal); UNDRR Nepal; CARE Nepal Resilience Reports
	ساختار قدرت و حکمرانی جنسیتی	نهادهای کلیدی DRR مانند Ministry of Home Affairs و National Council for DRR فاقد ساختار پاسخ‌گویی جنسیتی‌اند. ساختارهای سنتی قدرت، برتری مردان را بازتولید کرده و سازوکارهای ادغام ملاحظات جنسیتی غایب‌اند.	۱	Government of Nepal – DRR Policy (2018); UN Women Analysis on Institutional Gaps (2021)

جدول ۳- پروفایل سیاستی هر کشور (Case profiles)

نام کشور	محور تحلیل	تحلیل کیفی مختصر	امتیاز (۴-۰)	منابع کلیدی
	جریان سیاست‌گذاری و پنجره فرصت	زلزله ۲۰۱۵ فرصتی برای گنجاندن ملاحظات جنسیتی فراهم کرد. اصلاحات محدود صورت گرفت، اما نهادهای سازی ساختاری انجام نشد. اتصال نهادهای مدنی با سیاست‌گذاران رسمی محدود است و اقدامات جنسیتی بیشتر پروژه‌محور باقی مانده‌اند.	۲	IFRC – Gender and DRR (2017); UNDRR Country Report Nepal; National DRR Strategic Plan 2018–2030
جمع کل امتیاز از ۲۴: ۱۱ میانگین کل: ۱/۱۳ نپال پس از زلزله ۲۰۱۵ گام‌های ابتدایی برای ادغام ملاحظات جنسیتی برداشته است، اما فقدان نهادهای رسمی پاسخ‌گو و عدم اتصال ساختاری جامعه مدنی به سیاست‌گذاری ملی، مانع از تحقق تاب‌آوری جنسیت‌محور پایدار شده است. تجربه‌های موفق محلی زنان ارزشمندند، اما به دلیل فقدان چارچوب ملی، هنوز قابلیت تعمیم و نهادینه‌سازی ندارند.				
۸- پاکستان	عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع	در سیاست‌های رسمی مانند NDMP 2012 اشاره‌های کلی به گروه‌های آسیب‌پذیر وجود دارد، اما بازتوزیع منابع با حساسیت جنسیتی ساختاری نشده است. شکاف جنسیتی عمیق است و تخصیص منابع عمدتاً غیرتفکیکی انجام می‌شود.	۱	National Disaster Management Policy (2012); WEF GGI (2023); UN Women Pakistan Gender Profile (2022)
	مشارکت و بازشناسی	مشارکت زنان در اسناد رسمی عمدتاً به‌عنوان دریافت‌کننده خدمات مطرح شده است. تلاش‌های نهادهای غیردولتی مانند Aurat Foundation برای ارتقای مشارکت محلی ساختاری نبوده و در سطوح بالا نمادین یا غایب است.	۱	Aurat Foundation Reports (2020); NDMA Gender Guidelines (draft); UN Women (2022)
	قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی	پروژه‌های محدودی مانند Building Resilience with Women Champions توسط IFRC اجرا شده‌اند، اما دسترسی زنان به آموزش، اطلاعات، منابع و مالکیت اقتصادی به‌ویژه در مناطق روستایی بسیار محدود است. سیاست ملی برای توانمندسازی جنسیتی در DRR وجود ندارد.	۱	IFRC (2021); UNDRR – Pakistan Country Report; National Gender Policy Draft (GoP 2019)
	تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی	زنان در بحران‌هایی مانند زلزله کشمیر (۲۰۰۵) و سیلاب‌های ۲۰۱۰ نقش محوری در همیاری خانوادگی و محلی داشتند، اما این نقش‌ها در سیاست‌گذاری رسمی DRR بازتاب نیافته‌اند و تاب‌آوری بیشتر مبتنی بر سنت‌ها و پویای محلی است تا حمایت سیاستی.	۲	UNDRR Pakistan Reports; WEDO – Gender & Climate Resilience; Oxfam Pakistan Case Studies (2020)
	ساختار قدرت و حکمرانی جنسیتی	تنها حدود ۲۰٪ کارکنان نهادهای مدیریت بحران زن هستند. ساختارهای دولتی و مذهبی غالباً مردسالار و فاقد سازوکار پاسخ‌گویی جنسیتی هستند.	۱	UN Women (2022); NDMA Staff Reports; Pakistan Climate Change Gender Review (2021)
	جریان سیاست‌گذاری و پنجره فرصت	اسناد کلان مانند National Disaster Management Act فاقد الزامات جنسیتی هستند، تلاش برای تدوین سیاست جنسیتی در DRR در حال پیگیری است، اما پیشرفت کند و در اجرا ضعیف است. بودجه‌ریزی جنسیت‌محور در سیاست‌های DRR مشاهده نمی‌شود.	۱	GoP – NDMA Act (2010); UNDP Gender Budgeting Review; UN Women – DRR Policy Assessment (2023)
جمع کل امتیاز از ۲۴: ۷ میانگین کل: ۱/۱۶ پاکستان با وجود تجربیات متمرکز از حوادث و ظرفیت‌های مردمی بالا، به‌ویژه در مناطق روستایی، هنوز فاقد سیاست‌گذاری جنسیت‌محور و سازوکارهای رسمی پاسخ‌گو در مدیریت بحران است. سلطه ساختارهای مردسالار و نبود داده‌های تفکیکی جنسیتی، مانع نهادینه‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور زنان شده است و اصلاح مؤثر مستلزم اراده سیاسی، قوانین الزام‌آور و مشارکت نهادهای مدنی است.				
۹- بنگلادش	عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع	بنگلادش پیشرفت‌هایی در سیاست‌گذاری جنسیتی داشته، اما بازتوزیع منابع بحران هنوز نابرابر است. اسناد رسمی مانند National Women Development Policy و DRR Strategy 2015 زنان را به‌عنوان گروه آسیب‌پذیر شناسایی کرده‌اند، اما سیاست‌ها در DRR نهادینه نشده‌اند.	۲	Ministry of Women & Children Affairs (2019); DRR Strategy (2015); UNDRR – Gender Bangladesh Profile (2022)
	مشارکت و بازشناسی	زنان در سطوح محلی، به‌ویژه در مناطق ساحلی، از طریق کمیته‌های آمادگی جامعه‌محور (CDMCS) مشارکت دارند. این حضور اغلب با حمایت NGOها است و در سطح ملی و سیاست‌گذاری رسمی ضعیف است؛ مشارکت نظام‌مند در نهادهای DRR ملی دیده نمی‌شود.	۲	CARE Bangladesh (2021); BRAC Reports; Oxfam Bangladesh Gender & Resilience Review
	قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی	پروژه‌هایی مانند SHOUHARDO III و برنامه‌های BRAC به ارتقای سواد، تاب‌آوری اقتصادی و مهارت زنان در مناطق پرریسک کمک کرده‌اند، اما عدم تعمیم ملی و نبود پوشش یکپارچه، مانع توانمندسازی ساختاری شده است.	۳	BRAC (2022); SHOUHARDO Project Final Report; CARE Gender Empowerment Framework
	تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی	زنان نقش کلیدی در پاسخ به بحران‌ها دارند، به‌ویژه در طوفان‌هایی مانند Sidr و Amphan. با این حال، این تاب‌آوری بیشتر مبتنی بر ساختارهای غیررسمی و جامعه مدنی است و در سیاست‌های رسمی انعکاس نیافته است.	۳	UNDRR (2022); World Bank – Gender & DRR in South Asia; IDS Bangladesh Community

جدول ۳- پروفایل سیاستی هر کشور (Case profiles)

نام کشور	محور تحلیل	تحلیل کیفی مختصر	امتیاز (۰-۴)	منابع کلیدی
	ساختار قدرت و حکمرانی	علی‌رغم حضور نمادین زنان در دولت، ساختارهای فنی و تصمیم‌گیری DRR غالباً مردانه و فاقد مکانیسم‌های الزام‌آور برای مشارکت زنان هستند.	۲	Resilience Report (2021) GoB – DRR Act (2012); National Women Development Policy (2011); UN Women Asia Reports
	جریان سیاست‌گذاری و پنجره فرصت	قوانین DRR و طرح‌های ملی به زنان اشاره کرده‌اند، اما فاقد تحلیل جنسیتی سیستماتیک و بودجه‌ریزی جنسیتی در DRR هستند. فرصت‌های اصلاح پس از بحران‌ها مغفول مانده‌اند و اتصال سیاست ملی با تجربیات محلی برقرار نیست.	۲	Ministry of Disaster Management and Relief (2015); World Bank (2023); UNDP Gender Budgeting Bangladesh Report
جمع کل امتیاز از ۲۴: ۱۴ میانگین کل: ۲/۳۳ بنگلادش با ظرفیت اجتماعی قوی و تجارب محلی غنی، به‌ویژه شبکه‌های زنان، توانسته تاب‌آوری جنسیت‌محور را در سطح محلی تثبیت کند؛ با این حال، فقدان نهادهای سیاست‌های جنسیتی در سطح ملی و عدم اتصال سیستماتیک تجربه‌های محلی به تصمیم‌گیری کلان، مانع ایجاد تاب‌آوری جنسیت‌محور فراگیر شده است. اصلاحات ساختاری و ادغام تجربیات محلی در سیاست ملی، کلید الگوسازی موفق جهانی برای این کشور است.				
۱۰- مصر	عدالت جنسیتی و بازتوزیع منابع	برنامه‌هایی مانند استراتژی ملی توانمندسازی زنان ۲۰۳۰ تدوین شده‌اند، اما پیوند مستقیمی با سیاست‌های مدیریت بحران ندارد و عدالت جنسیتی در DRR به‌صورت ساختاری لحاظ نشده است.	۱	NSEEW (2017); Egypt Vision 2030 (2016); NSDRR 2030 (2017)
	مشارکت و بازشناسی	شورای ملی زنان (NCW) تحلیل‌ها و توصیه‌های جنسیتی ارائه کرده است، اما نقش زنان بیشتر مشورتی و محدود به آموزش و آگاهی‌بخشی است و در سیاست‌های رسمی کلان نهادینه نشده است.	۲	NCW Annual Report (2022); UN Women-gender perspective in Egypt's COVID-19 response plan (2020)
	قابلیت‌سازی فردی و توانمندسازی نهادی	پروژه‌هایی مانند Safe Cities با همکاری UN Women آگاهی و مهارت‌های مقابله‌ای زنان شهری را افزایش داده‌اند، اما فاقد چارچوب عملیاتی فراگیر در سطح ملی هستند و اجرای پراکنده دارند.	۲	UN Women Egypt: Safe Cities Project (2022); Government of Egypt. (2017), NSDRR 2030
	تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه محلی	زنان در بحران‌ها مانند سیل‌های اسوان یا کووید-۱۹ نقش کلیدی داشته‌اند، اما این فعالیت‌ها عمدتاً از طریق NGOها و ابتکارات محلی است و کمتر در سیاست‌های رسمی DRR منعکس شده است.	۲	UNDRR Arab States Report – Gender and Disaster Response in Egypt. (2022); UN Women Egypt. (2022). Country Results – Women and Gender in Crisis Response.. Government of Egypt. (2017), NSDRR 2030
	ساختار قدرت و حکمرانی	ساختارهای فنی و اجرایی مدیریت بحران مردسالار باقی مانده‌اند و سیاست‌های DRR کمتر از دیدگاه جنسیتی بازنگری شده‌اند. مکانیسم‌های نهادی پاسخ‌گو و ارزیابی اثرات جنسیتی وجود ندارد.	۱	World Bank Egypt Gender Profile. (2023). Government of Egypt. (2017), NSDRR 2030. UN Women Egypt. (2022), Country Results – Gender and Crisis Response
	جریان سیاست‌گذاری و پنجره فرصت	استراتژی ملی DRR و استراتژی توانمندسازی زنان فاقد تحلیل جنسیتی ساختاری و بودجه‌ریزی حساس به جنسیت هستند. بحران‌ها مانند سیل و پاندمی فرصت‌های اصلاحی ایجاد نکرده‌اند.	۱	Egypt DRR Strategy (2017); UNDP Budgeting for Gender Equality – Egypt; UNDRR Policy Tracker Egypt (2023)
	جمع کل امتیاز از ۲۴: ۹ میانگین کل: ۱/۵ مصر در سطح کلان سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی را لحاظ کرده، اما این رویکرد هنوز در مدیریت بحران نهادینه نشده است. فقدان اتصال سیاست‌های توانمندسازی زنان به DRR محدود بودن نقش زنان در تصمیم‌گیری ساختاری، و نبود مکانیزم‌های پاسخ‌گو و بودجه‌ریزی جنسیتی، مانع تحقق تاب‌آوری جنسیت‌محور شده است. ظرفیت‌های محلی و همکاری با نهادهای بین‌المللی، زمینه‌ساز تحول تدریجی و ایجاد جریان سیاستی جنسیتی در آینده هستند.			



شکل ۱. نقشه حرارتی مقایسه‌ای سیاست‌های تاب‌آوری جنسیت‌محور در ده کشور منتخب

این نقشه حرارتی، عملکرد تطبیقی کشورهای منتخب را در شش بُعد تحلیلی منطبق با چارچوب شش‌لایه پژوهش—شامل عدالت توزیعی و بازشناسی، نمایندگی و مشارکت نهادی، قابلیت‌ها و ظرفیت نهادی، قدرت و فضاها، مشارکت، تاب‌آوری اجتماعی-نهادی، و حکمرانی داده‌محور و پنجره سیاستی—به تصویر می‌کشد.

۴-۶- شناسایی الگوهای موفق و سازوکارهای کلیدی نهاده‌سازی

تحلیل تلفیقی نتایج بخش‌های (۶-۲) و (۶-۳)، با اتکا به جدول امتیازدهی و نقشه حرارتی سیاست‌ها، نشان می‌دهد که نهاده‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور نه حاصل یک متغیر منفرد یا سطح توسعه خاص، بلکه نتیجه هم‌زمانی سازوکارهای نهادی-سیاستی هم‌افزا است که در خوشه‌های عملکرد بالا و انتقالی کشورها به‌صورت مشترک مشاهده می‌شوند. این تحلیل، پنج سازوکار کلیدی را به‌عنوان الگوهای قابل ترجمه سیاستی شناسایی می‌کند:

۱. الزام حقوقی-مالی برای ادغام جنسیت: کشورهایی که عدالت جنسیتی را از سطح اهداف گفتمانی به ابزارهای اجرایی—

مانند تحلیل اثرات جنسیتی و بودجه‌ریزی حساس به جنسیت—پیوند داده‌اند، در محور بازتوزیع منابع و بازیابی پس‌بحران عملکرد بهتری داشته‌اند. این سازوکار امکان کنترل بازتولید نابرابری و ترجمه اصول عدالت به تصمیمات مالی را فراهم می‌سازد.

۲. مشارکت نهادی چندسطحی و الزام‌آور: کشورهایی که مشارکت زنان در فرآیند تصمیم‌سازی زمانی مؤثر است که در سطوح محلی، میانی و

ملی به‌صورت نهادی و الزام‌آور طراحی شود. کشورهایی که این مشارکت را در قالب سازوکارهای حقوقی و سازمانی تثبیت کرده‌اند، علاوه بر بهبود در محور بازشناسی، در کیفیت اجرا و پایداری سیاست‌ها نیز عملکرد قوی‌تری دارند. در مقابل، مشارکت‌های پروژه‌ای یا صرفاً مشورتی—even در صورت وجود اسناد سیاستی—به نهاده‌سازی پایدار منجر نمی‌شوند.

۳. پیوند ظرفیت‌سازی فردی با توانمندسازی نهادی: آموزش، مهارت‌آموزی و توانمندسازی زنان زمانی به تاب‌آوری پایدار

منجر می‌شود که هم‌زمان با تقویت ساختارهای نهادی محلی و ملی و با پشتیبانی منابع پایدار و نظام‌های پایش همراه باشد. در غیاب این پیوند، حتی مداخلات موفق محلی نیز به سطح سیاست عمومی ارتقاء نمی‌یابند.

۴. نظام داده‌محور و پاسخ‌گو: تولید و بهره‌برداری مستمر از داده‌های تفکیک‌شده جنسیتی، امکان یادگیری نهادی، ارزیابی

اثربخشی سیاست‌ها و اصلاح مسیر تصمیم‌گیری را فراهم می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد کشورهایی که داده‌های جنسیتی را به‌عنوان بخشی از نظام رسمی مدیریت بحران به‌کار گرفته‌اند، توان بیشتری در رصد شکاف‌ها و پایش عملکرد سیاست‌ها دارند.

۵. استفاده هدفمند از بحران‌ها به‌عنوان پنجره‌های سیاستی: وقوع سوانح به‌تنهایی منجر به تحول سیاستی نمی‌شود. تنها

در کشورهایی که سازوکارهای نهادی برای یادگیری، بازنگری و اصلاح سیاست‌ها وجود دارد، بحران‌ها به محرک تغییر ساختاری تبدیل می‌شوند. این سازوکار به‌طور مستقیم با کیفیت حکمرانی، ظرفیت نهادی و اراده سیاسی مرتبط است.

در مجموع، تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که موفقیت در نهاده‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور، به‌طور غالب با هم‌زمانی این پنج سازوکار مکمل همراه است: الزام حقوقی-مالی، مشارکت نهادی چندسطحی، ظرفیت‌سازی پیوندخورده با ساختار، داده‌محوری پاسخ‌گو، و یادگیری سیاستی

مبتنی بر بحران. این سازوکارها نه به عنوان نسخه های قابل کپی، بلکه به عنوان الگوهای قابل ترجمه در چارچوب قیود حقوقی، نهادی و فرهنگی ایران قابل تفسیر هستند و مبنای الگوسازی سیاستی در بخش هفتم مقاله را فراهم می سازند.

۵-۶- جمع بندی تحلیلی

تحلیل تطبیقی سیاست ها و ساختارهای نهادی نشان می دهد که تاب آوری جنسیت محور نه تابع مستقیم سطح توسعه اقتصادی یا میزان مواجهه با سوانح، بلکه حاصل هم افزایی سازوکارهای نهادی-سیاستی است که در زمینه های متفاوت ملی به صورت هم زمان عمل می کنند. بهره گیری تلفیقی از تحلیل زمینه ای شاخص ها (۶-۱)، تحلیل محتوای محوری سیاست ها (۶-۲) و ادغام کمی-کیفی از طریق جدول امتیازدهی و نقشه حرارتی (۶-۳)، امکان شناسایی الگوهای پایدار و قابل ترجمه را فراتر از تفاوت های زمینه ای کشورها فراهم ساخته است. یافته های تطبیقی حاکی از آن است که کشورهایی که در خوشه های عملکرد بالا یا انتقالی پایدار قرار دارند، در پنج سازوکار کلیدی-الزام حقوقی-مالی، مشارکت نهادی چندسطحی، ظرفیت سازی پیوندخورده با ساختار، داده محوری پاسخ گو و یادگیری سیاستی مبتنی بر بحران-هم پوشانی دارند. این هم زمانی، به عنوان یکی از پیش شرط های کلیدی برای عبور از مداخلات پروژه ای به نهادینه سازی پایدار تاب آوری جنسیت محور قابل تفسیر است. بر این اساس، نتایج بخش شش نه به عنوان نسخه های قابل کپی، بلکه به عنوان مجموعه ای از سازوکارهای قابل ترجمه سیاستی تفسیر می شوند. این رویکرد روش مند، پلی تحلیلی میان یافته های تطبیقی و فرآیند الگوسازی بومی ایجاد کرده و زمینه طراحی چارچوب سیاستی متناسب با قیود حقوقی، نهادی و فرهنگی ایران را در بخش هفتم مقاله فراهم می سازد.

۶-۶- مدل پیشنهادی برای ایران - سناریوهای اجرایی و تحلیل نهادی

بر مبنای چارچوب شش لایه پژوهش، مدل پیشنهادی برای نهادینه سازی تاب آوری جنسیت محور در ایران در قالب دو سناریوی زمانی و عملیاتی طراحی شده است. این مدل بر یافته های تحلیل تطبیقی استوار بوده و بر این فرض استوار است که تحقق تاب آوری جنسیت محور مستلزم هم زمانی مجموعه ای از سازوکارهای نهادی-سیاستی مکمل، شامل الزام حقوقی-مالی، مشارکت نهادی چندسطحی، ظرفیت سازی پیوندخورده با ساختار، حکمرانی داده محور پاسخ گو و یادگیری سیاستی مبتنی بر بحران است. در این چارچوب، سناریوی کوتاه مدت (۱-۲ سال) بر ایجاد الزامات اجرایی اولیه، شکل گیری زیرساخت های پایه و فعال سازی سازوکارهای مشارکتی تمرکز دارد، در حالی که سناریوی میان مدت (۳-۵ سال) معطوف به تثبیت اصلاحات نهادی، نهادینه سازی سازوکارهای داده محور و تعمیق ظرفیت های حکمرانی است. این مدل، با لحاظ قیود حقوقی، ظرفیت نهادی، تمرکزگرایی اداری و محدودیت های داده ای در ایران، مسیر عملی، تدریجی و قابل پایش برای نهادینه سازی سیاست های جنسیت محور در مدیریت بحران ارائه می دهد.

جدول ۴. چارچوب سیاستی پیشنهادی برای نهادینه سازی تاب آوری جنسیت محور در ایران - سناریوهای اجرایی، نهادهای متولی و شاخص های پایش

محور شش لایه	سناریوی کوتاه مدت (۱-۲ سال) - اقدامات فوری	نهاد متولی	شاخص پایش	سناریوی میان مدت (۳-۵ سال) - اصلاحات نهادی و ظرفیت سازی	نهاد متولی	شاخص پایش
عدالت توزیعی و بازتوزیع منابع	اجرای بودجه بندی جنسیت محور در نهادهای مدیریت بحران	سازمان برنامه و بودجه، وزارت کشور	درصد بودجه تخصیص یافته به برنامه های زنان و تاب آوری محلی	نهادینه سازی بودجه جنسیت محور در تمامی نهادهای مدیریت بحران	سازمان برنامه و بودجه، وزارت کشور	سهم بودجه نهادها که سیستم جنسیت محور دارند
مشارکت و بازشناسی	تشکیل کمیته های مشورتی زنان در سطوح ملی و استانی	وزارت کشور، فرمانداری ها	تعداد کمیته ها و جلسات فعال با مشارکت زنان	تدوین سیاست رسمی الزام آور برای حضور زنان در تصمیم گیری بحران	مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور	درصد نهادهای دارای نماینده زن
قابلیت سازی فردی و توانمندسازی نهادی	آموزش مدیران و کارکنان بحران بر مبنای جنسیت	سازمان مدیریت بحران، وزارت کشور	تعداد دوره ها و افراد آموزش دیده	ایجاد مراکز آموزش و مشاوره دائمی برای مدیران بحران با محوریت جنسیت	سازمان مدیریت بحران	تعداد مراکز و دوره های عملیاتی برگزار شده
تاب آوری اجتماعی و سرمایه محلی	تقویت شبکه های داوطلبی زنان در مناطق آسیب پذیر	سازمان های مردم نهاد، شهرداری ها	تعداد شبکه های فعال و پوشش جمعیتی	ایجاد سامانه ملی حمایت از شبکه های داوطلبی و سازمان های زنان	وزارت کشور، NGO ها	پوشش جغرافیایی و جمعیتی شبکه ها

جدول ۴. چارچوب سیاستی پیشنهادی برای نهادینه‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور در ایران- سناریوهای اجرایی، نهادهای متولی و شاخص‌های پایش

محور شش‌لایه	سناریوی کوتاه‌مدت (۱-۲ سال) - اقدامات فوری	نهاد متولی	شاخص پایش	سناریوی میان‌مدت (۳-۵ سال) - اصلاحات نهادی و ظرفیت‌سازی	نهاد متولی	شاخص پایش
قدرت و ساختار نهادی	شفاف‌سازی فرآیند تصمیم‌گیری و مشارکت نهادهای محلی	وزارت کشور، شوراهای محلی	درصد تصمیمات با مشارکت فعال زنان	اصلاح ساختار متمرکز و تفویض اختیار به شوراهای محلی	وزارت کشور، شوراهای محلی	تعداد تصمیمات محلی با اختیارات عملیاتی
حکمرانی داده‌محور و بهره‌برداری از پنجره‌های سیاستی	جمع‌آوری داده‌های جنسیت‌محور و انتشار گزارش سالانه	مرکز آمار ایران، وزارت کشور	تعداد شاخص‌های جنسیت‌محور گزارش شده	ایجاد سامانه یکپارچه داده‌ها و شاخص‌های جنسیت‌محور برای سیاست‌گذاری	مرکز آمار ایران، وزارت کشور	دسترسی و استفاده از داده‌ها در تصمیم‌گیری
* اقدامات کوتاه‌مدت بر ایجاد پایه‌های عملیاتی و الزامات فوری برای نهادینه‌سازی جنسیت در چرخه مدیریت بحران متمرکز هستند و با قوانین برنامه ششم توسعه و آئین‌نامه‌های سازمان برنامه و بودجه هماهنگ شده‌اند. تمامی شاخص‌ها به صورت کمی و قابل اندازه‌گیری طراحی شده‌اند و امکان رصد پیشرفت اقدامات و اثربخشی سیاست‌ها فراهم است.						

تحلیل موانع نهادی و اجرایی: تحلیل قابلیت اجرای مدل پیشنهادی در ایران نشان می‌دهد که تحقق آن با مجموعه‌ای از محدودیت‌های نهادی و ساختاری مواجه است. نخست، تمرکزگرایی اداری در نظام حکمرانی می‌تواند انعطاف‌پذیری و کارآمدی اجرای سیاست‌های محلی را محدود کند و مانع از بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های اجتماعی در سطوح پایین‌تر شود. دوم، برخی موانع سیاسی و نهادی، از جمله مقاومت در برابر تغییر در الگوهای تصمیم‌گیری و ادغام ملاحظات جنسیتی، می‌تواند فرآیند نهادینه‌سازی سیاست‌ها را با کندی مواجه سازد. سوم، ضعف در نظام‌های داده‌محور و فقدان شاخص‌های تفکیک‌شده جنسیتی، امکان پایش، ارزیابی و اصلاح سیاست‌ها را محدود می‌کند. در این راستا، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کاهش این محدودیت‌ها مستلزم اتخاذ رویکردی تدریجی و چندسطحی است که شامل تقویت سازوکارهای تفویض اختیار به سطوح محلی، نهادینه‌سازی الزامات قانونی و نظارتی برای سیاست‌های جنسیت‌محور، و توسعه نظام‌های داده‌ای یکپارچه و قابل اتکا برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری شواهدمحور است.

۷- الگوسازی سیاستی برای ایران

هدف این بخش، ترجمه نظام‌مند یافته‌های تطبیقی مقاله به یک بسته سیاستی بومی برای ایران است. برخلاف رویکردهای نسخه‌بردارانه، الگوسازی در این پژوهش بر انتقال سازوکارهای نهادی و منطق‌های سیاستی—و نه انتقال شکل ظاهری سیاست‌ها—استوار است. این فرایند ترجمه، با در نظر گرفتن قیود حقوقی، ظرفیت‌های نهادی و زمینه‌های فرهنگی ایران، و در پیوند مستقیم با چارچوب نظری شش‌لایه پژوهش انجام شده است.

۷-۱- ترجمه سیاست‌های موفق به سناریوهای بومی

تحلیل نتایج بخش ششم نشان داد که کشورهایی با عملکرد بالاتر در نهادینه‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور، از ترکیب مشخصی از سازوکارهای نهادی هم‌افزا بهره گرفته‌اند که در زمینه‌های متفاوت توسعه‌ای، قابلیت انطباق و انتقال زمینه‌مند با شرایط نهادی ایران را دارند. این سازوکارها در قالب شش سناریوی سیاستی بومی‌سازی شده صورت‌بندی شده‌اند که منطق انتقال، نمونه‌های بین‌المللی و لایه نظری متناظر آن‌ها در جدول ۴ به صورت یکپارچه ارائه شده است.

سناریوهای سیاستی بومی:

۱- سند مالی جنسیت‌پایه در مدیریت بحران: این سناریو با هدف انتقال سازوکار بودجه‌ریزی جنسیتی از تجربه کشورهایی مانند کانادا و نیوزیلند به نظام تخصیص منابع بحران در ایران طراحی شده است. تمرکز آن بر الزام نهادهای اجرایی به ارزیابی اثرات جنسیتی تصمیمات مالی و پیوند اصول عدالت با سازوکارهای تخصیص منابع است، نه صرف افزایش بودجه.

۲- کمیته‌های مشورتی زنان در شوراهای مدیریت بحران: این سناریو، با الهام از تجربه فیلیپین، به دنبال نهادینه‌سازی مشارکت زنان در فرآیندهای تصمیم‌سازی از طریق اصلاح آیین‌نامه‌های موجود و استفاده از ظرفیت‌های نهادی موجود است. هدف، ارتقای مشارکت از سطح غیررسمی و مشورتی به سطحی ساختاری و تأثیرگذار در تصمیم‌گیری است.

۳- طرح تاب‌آوری زنان روستا در برابر بحران: این سناریو بر پیوند نظام‌مند آموزش، مهارت‌آموزی و آمادگی روانی-اجتماعی زنان با ساختار رسمی مدیریت بحران تمرکز دارد. هدف، گذار از توانمندسازی فردی به ایجاد ظرفیت‌های نهادی پایدار و قابل ادغام در سیاست‌های عمومی است.

۴- سامانه ملی داده‌های تفکیکی بحران با رویکرد جنسیتی: این سناریو با هدف انتقال منطق حکمرانی داده‌محور از تجارب بین‌المللی، به‌ویژه کانادا، طراحی شده است. تمرکز آن بر تولید، یکپارچه‌سازی و استفاده از داده‌های تفکیک‌شده جنسیتی در فرآیندهای تصمیم‌گیری، پایش و ارزیابی سیاست‌ها است.

۵- چارچوب سیاستی بازسازی عادلانه پس از بحران: این سناریو مفهوم «پنجره‌های سیاستی» را به‌عنوان ابزاری برای اصلاح نهادی بازتعریف می‌کند. در این چارچوب، بحران‌ها به‌عنوان فرصت‌هایی برای بازنگری ساختاری در سیاست‌های بازسازی و ادغام ملاحظات جنسیتی در فرآیندهای بازسازی تلقی می‌شوند.

۶- شبکه ملی زنان تاب‌آور در مدیریت بحران: این سناریو با الهام از تجربه فیلیپین، بر ایجاد پیوند ساختاری میان شبکه‌های مدنی زنان و نهادهای رسمی دولت تمرکز دارد. منطق آن، تقویت تاب‌آوری از طریق انسجام اجتماعی و توسعه حکمرانی مشارکتی، به‌جای اتکای صرف بر مداخلات دولت‌محور است.

جدول ۵. ماتریس ترجمه سیاستی- تطبیق سازوکارهای موفق بین‌المللی با سناریوهای بومی ایران و لایه‌های چارچوب شش‌لایه

سیاست موفق بین‌المللی	کشور نمونه	سناریوی بومی ایران	لایه نظری متناظر
بودجه‌ریزی جنسیتی	نیوزلند، کانادا	سند مالی جنسیت‌پایه در مدیریت بحران	عدالت توزیعی و بازشناسی
مشارکت رسمی زنان در تصمیم‌سازی	فیلیپین	کمیته‌های مشورتی زنان در شوراهای مدیریت بحران	عدالت توزیعی و بازشناسی (نماینده‌گری نهادی)
توانمندسازی جنسیتی محلی	کانادا، نیوزلند	طرح تاب‌آوری زنان روستا در برابر بحران	قابلیت‌ها و ظرفیت نهادی
حکمرانی داده‌محور	کانادا	سامانه ملی داده‌های تفکیک‌شده بحران	یکپارچگی نهادی و حکمرانی داده‌محور
بهره‌برداری از بحران‌ها	نیوزلند، فیلیپین	چارچوب سیاستی بازسازی عادلانه پس از بحران	پنجره سیاستی
پیوند شبکه زنان با دولت	فیلیپین	شبکه ملی زنان تاب‌آور در مدیریت بحران	تاب‌آوری اجتماعی-نهادی
سناریوهای بومی ارائه‌شده در جدول ۴ بر اساس تلفیق یافته‌های تحلیل تطبیقی سیاست‌ها (بخش ۶-۲)، امتیازدهی استاندارد در شش محور نهادی (بخش ۶-۳) و شناسایی سازوکارهای کلیدی نهادینه‌سازی (بخش ۶-۴) استخراج شده‌اند. منطق این جدول، انتقال مکانیکی سیاست‌ها نیست، بلکه ترجمه تحلیلی سازوکارهای اثربخش به گزینه‌های سیاستی قابل اجرا در چارچوب حقوقی و نهادی ایران است.			

الگوسازی سیاستی ارائه‌شده در این بخش نشان می‌دهد که بومی‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور در ایران نه مستلزم تقلید از الگوهای نهادی خارجی، بلکه نیازمند ترجمه زمینه‌مند و تحلیلی سازوکارهای موفق است. جدول ۴ این فرایند ترجمه را به‌صورت ساخت‌یافته نمایش می‌دهد و به‌عنوان پیوندی نظام‌مند میان تحلیل تطبیقی و طراحی مداخلات سیاستی عمل می‌کند. این رویکرد، مبنایی تحلیلی برای بررسی موانع و ظرفیت‌های نهادی ایران در بخش بعدی و توسعه چارچوب سیاستی پیشنهادی فراهم می‌سازد.

۷-۲- تحلیل موانع و ظرفیت‌های نهادی در ایران

بومی‌سازی سیاست‌های تاب‌آوری جنسیت‌محور مستلزم درک دقیق و چندلایه از زمینه نهادی ایران است؛ زمینه‌ای که به‌طور هم‌زمان واجد ظرفیت‌های قانونی و اجتماعی قابل اتکا و نیز با موانع ساختاری و اجرایی پایدار مواجه است. این بخش، با اتکا به اسناد قانونی، شواهد اجرایی و یافته‌های تحلیل تطبیقی (بخش ششم)، موانع و ظرفیت‌های نهادی ایران را در سه سطح حقوقی-سیاستی، ساختاری-اجرایی و فرهنگی-سازمانی تحلیل می‌کند تا امکان ترجمه عملی سناریوهای پیشنهادی فراهم شود.

۷-۲-۱- چارچوب‌های حقوقی و سیاستی: پذیرش گفتمانی، ضعف اجرایی

بررسی اسناد بالادستی نشان می‌دهد که توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر و توانمندسازی زنان به‌صورت پراکنده در نظام سیاستی ایران به رسمیت شناخته شده است؛ از جمله در قانون مدیریت بحران کشور (۱۳۹۸)، برنامه‌های توسعه و اسناد ملی مرتبط با زنان و خانواده. با این حال، این پذیرش عمدتاً در سطح گفتمانی باقی مانده و فاقد سازوکارهای الزام‌آور اجرایی، ردیف‌های بودجه‌ای مشخص و نظام‌های پایش و ارزیابی است. نبود «پیوست جنسیتی» در برنامه‌ریزی و تخصیص منابع بحران، یکی از شکاف‌های کلیدی در این سطح محسوب می‌شود که نشان‌دهنده ضعف در لایه «عدالت توزیعی و بازشناسی» در چارچوب نظری پژوهش است. این وضعیت مانع از ترجمه اصول عدالت جنسیتی به تصمیمات مالی و تخصیص منابع می‌شود و فاصله میان تعهدات سیاستی و اجرا را تداوم می‌بخشد.

۷-۲-۲- ساختارهای نهادی و اجرایی: تمرکزگرایی و حذف مشارکت ساختاری

ساختار مدیریت بحران در ایران ماهیتی متمرکز، دولت‌محور و عمدتاً بالا به پایین دارد. اگرچه شوراهای هماهنگی مدیریت بحران در سطوح مختلف حکمرانی فعال هستند، اما:

- جایگاه رجا‌بگاه رسمی و الزام‌آوری برای مشارکت نمایندگان زنان یا جامعه مدنی در آن‌ها تعریف نشده است؛
- هماهنگی میان نهادهای مرتبط با سلامت، رفاه، خانواده و تاب‌آوری اجتماعی محدود و موردی است؛
- و تمرکز غالب بر ابعاد فنی و فیزیکی بحران، توجه به ابعاد اجتماعی و جنسیتی را به حاشیه رانده است.

این وضعیت نشان‌دهنده ضعف هم‌زمان در لایه‌های «بازشناسی و نمایندگی» و «قدرت و مشارکت نهادی» در چارچوب نظری پژوهش است و توضیح می‌دهد که چرا بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های اجتماعی زنان به سیاست عمومی قابل اجرا تبدیل نمی‌شود.

۷-۲-۳- فرهنگ سازمانی و سرمایه اجتماعی: مانع پنهان، ظرفیت مغفول

در سطح فرهنگی-سازمانی، غلبه رویکرد فنی-سازه‌محور در مدیریت بحران، همراه با برخی نگرش‌های نهادی محدودکننده نسبت به نقش جنسیت، می‌تواند مانعی برای پذیرش تحلیل‌های جنسیت‌محور در فرایندهای سیاست‌گذاری ایجاد کند. این امر در قالب‌هایی مانند کمبود آموزش‌های تخصصی، رویکردهای نمادین به مشارکت زنان و محدود بودن ادغام ملاحظات جنسیتی در برنامه‌های اجرایی قابل مشاهده است. در مقابل، شبکه‌های محلی داوطلبانه زنان، گروه‌های تسهیل‌گر اجتماعی، شوراهای محلی و کنشگران اجتماعی در مناطق پرریسک، نوعی سرمایه اجتماعی فعال را شکل داده‌اند که هنوز به‌صورت نظام‌مند در سیاست‌گذاری رسمی ادغام نشده است. این ظرفیت، در صورت نهادینه‌سازی، می‌تواند به تقویت لایه «تاب‌آوری اجتماعی-نهادی» در چارچوب پژوهش کمک کند و پیوند میان جامعه و نهادهای رسمی را تقویت نماید.

۷-۲-۴- جمع‌بندی تحلیلی: پیوند موانع با چارچوب شش لایه

تحلیل موانع و ظرفیت‌های نهادی ایران نشان می‌دهد که چالش اصلی نه در فقدان کامل سیاست‌ها، بلکه در گسست میان لایه‌های مختلف سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی نهفته است. این وضعیت را می‌توان در قالب چارچوب شش لایه به‌صورت زیر خلاصه کرد:

- عدالت توزیعی و بازشناسی: فقدان پیوست جنسیتی و منابع مالی هدفمند؛
- بازشناسی و نمایندگی: مشارکت محدود و غیرنهادی زنان در فرایندهای تصمیم‌سازی؛
- قابلیت‌ها و ظرفیت نهادی: غلبه مداخلات مقطعی و پروژه‌محور بدون پشتیبانی ساختاری؛
- تاب‌آوری اجتماعی-نهادی: بهره‌برداری محدود از شبکه‌های اجتماعی و ظرفیت‌های محلی زنان؛
- قدرت و مشارکت نهادی: تمرکزگرایی و ضعف در توزیع قدرت و هماهنگی بین‌بخشی؛
- پنجره‌های سیاستی و حکمرانی داده‌محور: بهره‌برداری محدود از بحران‌ها برای اصلاح نهادی و ضعف در نظام‌های داده‌محور و پایش‌پذیر.

این تحلیل، مبنای مستقیمی برای طراحی چارچوب سیاستی پیشنهادی در بخش ۷-۳ فراهم می‌کند؛ چارچوبی که هدف آن نه ارائه الگوهای انتزاعی، بلکه صورت‌بندی مسیرهای اجرایی، تدریجی و نهادینه‌پذیر برای تقویت تاب‌آوری جنسیت‌محور در ایران است.

جدول ۶- مرور تطبیقی موانع و ظرفیت‌های نهادی در ایران

سطح نهادی	موانع کلیدی	ظرفیت‌های قابل اتکا
-----------	-------------	---------------------

حقوقی-سیاستی	نبود ضمانت اجرایی سیاست‌های جنسیت‌محور؛ فقدان پیوست جنسیتی در بودجه‌ریزی	وجود اسناد بالادستی و قوانین مرتبط با مدیریت بحران و برنامه‌های توسعه
ساختاری-اجرایی	تمرکزگرایی؛ ناهماهنگی بین‌نهادی؛ مشارکت محدود زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری	وجود ساختار شوراهای مدیریت بحران در سطوح مختلف با قابلیت اصلاح آیین‌نامه‌ای
فرهنگی-سازمانی	محدودیت در پذیرش تحلیل جنسیتی؛ ضعف آموزش تخصصی	وجود سرمایه اجتماعی در شبکه‌های داوطلبانه زنان و کنشگران محلی

۷-۳- طراحی چارچوب پیشنهادی سیاستی برای تقویت تاب‌آوری جنسیت‌محور در مدیریت بحران ایران

بر مبنای تحلیل تطبیقی سیاست‌ها در کشورهای منتخب (بخش ششم)، شناسایی الگوهای نهادی موفق و سازوکارهای نهادینه‌سازی (بند ۶-۴)، و ارزیابی نظام‌مند موانع و ظرفیت‌های نهادی ایران (بند ۲-۷)، این پژوهش یک چارچوب سیاستی یکپارچه برای تقویت تاب‌آوری جنسیت‌محور در نظام مدیریت بحران ایران ارائه می‌دهد. هدف این چارچوب، ترجمه منسجم یافته‌های نظری و تطبیقی به مسیرهای عملیاتی قابل اجرا در بستر حقوقی، نهادی و فرهنگی ایران است. منطق طراحی این چارچوب بر رویکرد «سیاست‌گذاری تطبیقی-یادگیرنده» استوار است؛ رویکردی که سیاست عمومی را نه به‌عنوان مداخله‌ای ایستا، بلکه به‌مثابه فرآیندی تدریجی، زمینه‌مند و اصلاح‌پذیر در تعامل میان نهادها، داده‌ها و کنشگران اجتماعی درک می‌کند (Heclo, 1974; Sabel & Zeitlin, 2010). در این چارچوب، انتقال سیاست نه از مسیر نسخه‌برداری نهادی، بلکه از طریق شناسایی سازوکارهای عملکردی مشترک و ترجمه آن‌ها به بسترهای حقوقی و نهادی متفاوت صورت می‌گیرد (Dolowitz & Marsh, 2000; Benson & Jordan, 2011). چارچوب پیشنهادی بر مدل نظری شش‌لایه پژوهش استوار است و می‌کوشد پیوندی ساخت‌یافته میان ابعاد عدالت توزیعی و بازشناسی، قابلیت‌ها و ظرفیت نهادی، تاب‌آوری اجتماعی-نهادی، قدرت و مشارکت نهادی، حکمرانی داده‌محور پاسخ‌گو و بهره‌برداری از پنجره سیاستی برقرار سازد. این چارچوب، برخلاف رویکردهای توصیه‌محور یا نسخه‌پردازانه، به‌مثابه یک معماری اجرایی تطبیقی طراحی شده است که امکان استقرار تدریجی، منطقه‌محور و یادگیرنده را در نظام مدیریت بحران فراهم می‌سازد. معماری اجرایی این چارچوب در جدول ۶ ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که چگونه هر لایه نظری به مؤلفه‌های عملیاتی مشخص، سطوح مداخله، نهادهای مسئول، ابزارهای اجرایی و گام‌های مرحله‌مند اجرا ترجمه شده است. از این منظر، جدول ۶ نه فهرستی از پیشنهادها منفرد، بلکه نقشه راهی سیاستی است که زنجیره «تحلیل تطبیقی - شناسایی الگوهای نهادی - طراحی مداخله سیاستی» را به‌صورت یکپارچه و قابل پیگیری بازنمایی می‌کند. از منظر تحلیلی، چارچوب پیشنهادی سه محدودیت ساختاری رایج در سیاست‌گذاری جنسیت‌محور مدیریت بحران در ایران را هدف قرار می‌دهد. نخست، با پیوند دادن ظرفیت‌سازی محلی و توانمندسازی اجتماعی به ساختار رسمی تصمیم‌گیری، از رویکردهای پروژه‌ای و مقطعی عبور کرده و امکان نهادینه‌سازی پایدار را فراهم می‌سازد. دوم، از طریق تعریف ابزارهای اجرایی مشخص - از جمله پیوست جنسیتی بودجه بحران، اصلاح آیین‌نامه‌های نهادی و توسعه سامانه‌های داده تفکیک‌شده - به کاهش شکاف میان الزامات قانونی و اجرا کمک می‌کند. سوم، با نهادینه‌سازی منطق «پنجره سیاستی» در بازسازی پسابحران، بحران‌ها را از وضعیت واکنشی صرف به محرک اصلاح نهادی و یادگیری سیاستی ارتقاء می‌دهد؛ منطقی که با نظریه جریان‌های چندگانه و نقش بحران‌ها در بازآرایی اولویت‌های سیاستی هم‌راستا است (Kingdon, 1995). از حیث روش‌شناختی، این چارچوب به‌طور مستقیم بر نتایج تحلیل تطبیقی پژوهش استوار است؛ به‌گونه‌ای که امتیازدهی ترتیبی ۰ تا ۴ و تحلیل تلفیقی کمی-کیفی سیاست‌ها، به شناسایی الگوهای نهادی موفق انجامیده و این الگوها در قالب مداخلات مشخص و قابل اجرا در جدول ۶ بازنمایی شده‌اند. بدین ترتیب، پیوند میان تحلیل تطبیقی و طراحی سیاستی حفظ شده و از گسست میان یافته‌ها و پیشنهادها اجتناب شده است. در مجموع، چارچوب پیشنهادی را می‌توان یک معماری سیاستی تطبیقی و زمینه‌مند دانست که نه در پی نسخه‌برداری از تجربه‌های بین‌المللی، بلکه در پی ترجمه سازوکارهای موفق به اقدام سیاستی بومی است. استقرار این چارچوب مستلزم تعهد سیاسی، هماهنگی بین‌نهادی و بهره‌گیری نهادی از سرمایه اجتماعی زنان است؛ اما در صورت تحقق، می‌تواند زمینه لازم برای گذار تدریجی از مدیریت بحران واکنشی به سوی تاب‌آوری عادلانه، پاسخ‌گو و پایدار را در ایران فراهم سازد. برای مثال، پیوست بودجه‌ریزی حساس به جنسیت می‌تواند در گام نخست به‌صورت پایلوت و زمان‌مند در برنامه‌های بازسازی پس از سوانح در چند استان منتخب اجرا شده و پس از ارزیابی اثربخشی، به‌صورت تدریجی تعمیم یابد.

جدول ۷. چارچوب پیشنهادی اقدام سیاستی برای تقویت تاب‌آوری جنسیت‌محور در مدیریت بحران ایران: ترجمه لایه‌های نظری به مداخلات اجرایی، نهادهای مسئول و گام‌های اجرا

لایه نظری	مؤلفه عملیاتی	سطح مداخله	نهاد مجری	ابزارها	گام‌های اجرا
عدالت توزیعی و بازشناسی	تدوین پیوست جنسیتی بودجه بحران	ملی	سازمان برنامه‌بودجه، ستاد ملی بحران	آیین‌نامه اجرایی، شاخص‌های بودجه‌ریزی تفکیکی	تشکیل کمیته تخصصی بین‌بخشی → تدوین شاخص‌ها → تصویب و الزام در سند بودجه
بازشناسی و نمایندگی	جایگاه رسمی زنان در شوراهای بحران	محلی و استانی	وزارت کشور، شوراهای مدیریت بحران، معاونت زنان	اصلاح آیین‌نامه، کمیته‌های مشورتی زنان	اصلاح آیین‌نامه شوراها → فراخوان مشارکت مدنی → آموزش نمایندگان زنان
قابلیت‌ها و ظرفیت نهادی	آموزش و توانمندسازی در مناطق پرریسک	محلی و منطقه‌ای	هلال‌احمر، فنی‌حرفه‌ای	طرح ملی توان‌افزایی، آموزش چندسطحی	طراحی سرفصل‌ها → اجرای آزمایشی در استان‌های پایلوت → تعمیم ملی
تاب‌آوری اجتماعی-نهادی	شبکه‌سازی میان نهادهای مدنی و رسمی	منطقه‌ای و ملی	معاونت زنان، سازمان‌های مردم‌نهاد	شبکه ملی زنان تاب‌آور، الگوی مشارکت دولتی-مدنی	شناسایی نهادهای داوطلب → تدوین منشور همکاری → رسمیت‌بخشی
حکمرانی داده‌محور	توسعه سامانه داده‌های جنسیتی	ملی و استانی	مرکز آمار، وزارت کشور، پژوهشگاه ICT	پلتفرم داده، پروتکل شفافیت	طراحی سامانه → تدوین پروتکل → آموزش و پایش
پنجره سیاستی	بازسازی عادلانه پس از بحران	ملی و بین‌المللی	شورای عالی بحران، مجلس	یادداشت سیاستی، کمپین آگاهی، گزارش‌های تحلیلی	مستندسازی تجارب قبلی → انتشار گزارش سیاستی → جلب حمایت عمومی

۸- نتیجه‌گیری و پیامدهای سیاستی

این پژوهش با هدف طراحی یک چارچوب سیاستی یکپارچه برای ارتقای تاب‌آوری جنسیت‌محور در نظام مدیریت بحران ایران، بر پایه تحلیل تطبیقی سیاست‌ها و ساختارهای نهادهای کشورهای منتخب، تحلیل محتوای سیاستی در چارچوب شش‌لایه، و ارزیابی نظام‌مند زمینه نهادی ایران انجام شد. رویکرد پژوهش بر تلفیق تحلیل کمی-کیفی و ترجمه سیاستی زمینه‌مند استوار بود تا پیوندی شفاف میان شواهد تطبیقی و طراحی مداخله سیاستی برقرار شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تحقق تاب‌آوری جنسیت‌محور، نه حاصل یک سیاست منفرد یا سطح توسعه خاص، بلکه نتیجه هم‌افزایی مجموعه‌ای از سازوکارهای نهادی-سیاستی مکمل است. تحلیل تطبیقی کشورهایمانند نیوزیلند، کانادا و فیلیپین نشان داد که ادغام مؤثر ملاحظات جنسیتی در مدیریت بحران، زمانی محقق می‌شود که پنج مؤلفه کلیدی به‌صورت هم‌زمان فعال باشند: الزام حقوقی-مالی (از جمله بودجه‌ریزی حساس به جنسیت)، مشارکت نهادی چندسطحی زنان در فرآیند تصمیم‌سازی، پیوند ظرفیت‌سازی فردی با ساختارهای نهادی، استقرار نظام‌های داده‌محور پاسخ‌گو، و بهره‌برداری هدفمند از پنجره سیاستی برای اصلاحات ساختاری. این ترکیب نهادی، امکان گذار از رویکردهای نمادین یا پروژه‌ای به نهادینه‌سازی پایدار سیاست‌های جنسیت‌محور را فراهم می‌کند. در پاسخ به سؤال نخست پژوهش، نتایج نشان داد که شکاف میان تعهدات هنجاری و اجرای نهادی، عمدتاً ناشی از فقدان سازوکارهای اجرایی الزام‌آور، ضعف در تولید و استفاده از داده‌های تفکیک‌شده، و محدود بودن مشارکت ساختاری زنان در نهادهای تصمیم‌گیری است. تجربه کشورهای با عملکرد بالا نشان می‌دهد که این شکاف زمانی کاهش می‌یابد که اصول عدالت جنسیتی به ابزارهای عملیاتی-به‌ویژه در حوزه تخصیص منابع و طراحی نهادی-ترجمه شوند. در پاسخ به سؤال دوم، یافته‌ها نشان داد که چارچوب شش‌لایه پژوهش، امکان تحلیل یکپارچه ابعاد ساختاری، نهادی و اجتماعی تاب‌آوری جنسیت‌محور را فراهم می‌سازد. این چارچوب با پیوند دادن عدالت توزیعی و بازشناسی، قابلیت‌ها و ظرفیت نهادی، تاب‌آوری اجتماعی-نهادی، قدرت و مشارکت نهادی، حکمرانی داده‌محور و پنجره سیاستی، بستری مفهومی و عملیاتی برای تحلیل و طراحی سیاست فراهم می‌کند. به‌کارگیری این چارچوب در تحلیل تطبیقی و الگوسازی، نشان داد که می‌توان از آن به‌عنوان یک ابزار تحلیلی-کاربردی برای هدایت سیاست‌گذاری در زمینه‌های متفاوت نهادی استفاده کرد. در پاسخ به سؤال سوم، تحلیل زمینه ایران نشان داد که چالش‌های اصلی در مسیر نهادینه‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور، نه در فقدان کامل سیاست، بلکه در گسست میان سطوح مختلف سیاست‌گذاری، اجرا و یادگیری

نهادی نهفته است. تمرکزگرایی ساختاری، ضعف هماهنگی بین‌بخشی، نبود مشارکت ساختاریافته زنان، و محدودیت در نظام‌های داده‌محور، از مهم‌ترین موانع شناسایی‌شده هستند. در مقابل، وجود اسناد قانونی، ساختارهای نهادی پایه، و سرمایه اجتماعی فعال در شبکه‌های محلی زنان، ظرفیت‌هایی هستند که در صورت بهره‌گیری نهادی، می‌توانند زمینه تقویت سیاست‌های جنسیت‌محور را فراهم سازند. بر این اساس، چارچوب پیشنهادی پژوهش—مبتنی بر مدل شش‌لایه و معماری اجرایی ارائه‌شده—به‌عنوان یک مسیر سیاستی مرحله‌مند و قابل اجرا طراحی شده است که هدف آن ترجمه سازوکارهای موفق به اقدامات بومی است. این چارچوب می‌تواند زمینه لازم برای گذار تدریجی از مدیریت بحران واکنشی به تاب‌آوری عادلانه، پاسخ‌گو و پایدار را در ایران فراهم سازد، مشروط بر آن‌که در قالب یک فرآیند سیاستی هماهنگ، بین‌بخشی و مبتنی بر یادگیری اجرا شود. از منظر نظری، این پژوهش با ارائه یک چارچوب شش‌لایه تلفیقی، به ادبیات تاب‌آوری و سیاست‌گذاری جنسیت‌محور کمک می‌کند و نشان می‌دهد که تحلیل این حوزه نیازمند رویکردی چندبعدی و فراتر از سنجش‌های صرفاً توصیفی است. از منظر روش‌شناختی، استفاده از امتیازدهی قاعده‌محور ۰ تا ۴ و تحلیل تلفیقی کمی—کیفی، امکان مقایسه‌پذیری نظام‌مند سیاست‌ها و افزایش شفافیت تحلیلی را فراهم کرده و الگویی بازتولیدپذیر برای مطالعات تطبیقی ارائه می‌دهد. از منظر سیاستی، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که طراحی مداخلات مؤثر، مستلزم پیوند میان سطح کلان سیاست‌گذاری و ظرفیت‌های اجرایی محلی، و نیز بهره‌گیری نهادی از سرمایه اجتماعی زنان و نهادهای مدنی است. در عین حال، این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه است. تمرکز مطالعه بر تحلیل اسناد سیاستی و ساختارهای نهادی بوده و ارزیابی تجربی مستقیم از پیامدهای اجرای سیاست‌ها در سطح محلی در دامنه آن قرار نداشته است. همچنین، با وجود تلاش برای پوشش بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴، برخی تحولات اخیر سیاستی ممکن است در تحلیل منعکس نشده باشند. بر این اساس، پژوهش‌های آتی می‌توانند با بهره‌گیری از داده‌های میدانی، ارزیابی‌های خردمقیاس و روش‌های ترکیبی پیشرفته‌تر، کارآمدی عملی چارچوب پیشنهادی را در بسترهای منطقه‌ای ایران مورد آزمون قرار دهند. در نهایت، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بومی‌سازی تاب‌آوری جنسیت‌محور، نه از مسیر تقلید از مدل‌های خارجی، بلکه از طریق ترجمه هوشمندانه سازوکارهای نهادی و انطباق آن‌ها با زمینه‌های حقوقی، نهادی و فرهنگی امکان‌پذیر است. چنین رویکردی می‌تواند مبنایی تحلیلی و اجرایی برای توسعه سیاست‌های فراگیرتر، پاسخ‌گوتر و پایدارتر در مدیریت بحران ایران فراهم آورد.

1. Bhandari, D. (2021). Disaster risk governance in Nepal: A gendered perspective. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 58, 102210. <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2021.102210>
2. Bradshaw, S., Fordham, M., & Bhatt, M. (2022). Gender and disaster resilience: A systematic review. *Progress in Disaster Science*, 15, 100241. <https://doi.org/10.1016/j.pdisas.2022.100241>
3. Bradshaw, S., & Fordham, M. (2024). Gender, power and disaster risk governance: A critical review. *Progress in Disaster Science*, 21, 100137.
4. BRAC. (2022). Women's empowerment and resilience in Bangladesh. BRAC. <https://www.brac.net>
5. Canterbury Earthquake Recovery Review Panel. (2019). Lessons learned from the Christchurch earthquakes. Department of the Prime Minister and Cabinet, New Zealand. <https://www.dPMC.govt.nz>
6. Canadian Red Cross. (2022). Gender-inclusive emergency response guidelines. <https://www.redcross.ca>
7. CARE Bangladesh. (2021). Gender & resilience review. CARE. <https://www.carebangladesh.org>
8. CEDAW Committee. (2018). General Recommendation No. 37 on gender-related dimensions of disaster risk reduction in the context of climate change. UN Women. <https://www.ohchr.org>
9. CENAPRED. (2020). Gender and disasters reports. National Center for Disaster Prevention, Mexico. <https://www.gob.mx/cenapred>
10. Landman, T. (2008). Design in comparative research. *International Journal of Social Research Methodology*, 11(5), 389–401. <https://doi.org/10.1080/13645570701401552>
11. Enarson, E., & Chakrabarti, P. G. D. (2009). *Women, gender and disaster: Global issues and initiatives*. SAGE Publications.
12. European Commission Joint Research Centre. (2023). INFORM Risk Index 2023: Results and data. <https://drmkc.jrc.ec.europa.eu/inform-index>
13. Flick, U. (2018). *An introduction to qualitative research* (6th ed.). SAGE Publications.
14. Fraser, N. (2003). Social justice in the age of identity politics: Redistribution, recognition, and participation. *New Left Review*, (212), 68–93.
15. Gaventa, J. (2006). Finding the spaces for change: A power analysis. *IDS Bulletin*, 37(6), 23–33. <https://doi.org/10.1111/j.1759-5436.2006.tb00320.x>
16. Government of Canada. (2018). Gender-Based Analysis Plus (GBA+). <https://women-gender-equality.canada.ca>
17. Government of Mexico. (2020). National Development Plan (PND) 2020–2024. <https://www.gob.mx>
18. Government of Nepal. (2018). National Disaster Risk Reduction Policy. <https://drrportal.gov.np>
19. Inter-American Development Bank (IDB). (2021). Gender and resilience: Lessons from Mexico and Peru. <https://publications.iadb.org>
20. INMUJERES. (2019). Annual gender report – Mexico. <https://www.gob.mx/inmujeres>
21. Indigenous Services Canada. (2022). Emergency preparedness programs for Indigenous communities. <https://www.sac-isc.gc.ca>
22. JICA. (2020). Gender and Development (GAD) projects report – Japan. <https://www.jica.go.jp>
23. Kingdon, J. W. (1995). *Agendas, alternatives, and public policies* (2nd ed.). HarperCollins.
24. Landman, T. (2008). *Issues and methods in comparative politics* (3rd ed.). Routledge.
25. Le Masson, V., Benoudji, C., Reyes, S. S., & Bernard, G. (2023). Gender, disasters and climate change: Toward transformative resilience. *World Development*, 165, 106124.
26. Leslie, D., et al. (2022). Understanding bias in algorithmic systems. *ACM Computing Surveys*, 55(3), 1–36.
27. Ministry of Civil Defence and Emergency Management New Zealand. (2022). Resilience and gender-sensitive disaster risk reduction strategy. <https://www.civildefence.govt.nz>
28. Ministry of Disaster Management and Relief Bangladesh. (2015). National disaster management plan. <https://modmr.gov.bd>
29. Ministry of Home Affairs Nepal. (2018). DRR Strategic Plan 2018–2030. <https://www.moha.gov.np>
30. Ministry of Women and Child Development India. (2021). Annual report. <https://wcd.nic.in>
31. National Commission for Women Egypt. (2021). Annual report. <https://ncw.gov.eg>
32. NDMA India. (2019). Guidelines on gender and disaster risk reduction. <https://ndma.gov.in>
33. NDMA Pakistan. (2021). Staff report and gender guidelines. <https://www.ndma.gov.pk>
34. National Disaster Management Authority Act (Pakistan). (2010). National Disaster Management Act. <https://www.ndma.gov.pk/laws>

35. Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness. *American Journal of Community Psychology*, 41(1–2), 127–150.
36. Nussbaum, M. C. (2011). *Creating capabilities: The human development approach*. Harvard University Press.
37. New Zealand Treasury. (2021). *Wellbeing Budget and gender budgeting framework*. <https://www.treasury.govt.nz>
38. OECD. (2021). *Integrating gender into risk governance: Good practices and future directions*. <https://www.oecd.org>
39. OECD. (2023). *Gender equality and disaster governance*. OECD Publishing.
40. OECD. (2024). *AI, data governance and gender equality*. OECD Publishing.
41. Philippine Commission on Women (PCW). (2022). *GAD Accomplishment Reports*. <https://pcw.gov.ph>
42. Ragin, C. C. (2014). *The comparative method*. University of California Press.
43. Rahimi, M., et al. (2021). Gender in Iranian disaster management: A critical review. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 54, 102010.
44. Ramalho, J. (2019). Empowerment in the era of resilience-building. *International Development Planning Review*, 41(2), 129–148.
45. Sahni, P., Ariyabandu, M. M., & Sahni, P. (2020). Gender and DRR in South Asia. *Asian Journal of Women's Studies*, 26(1), 112–132.
46. Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Oxford University Press.
47. SEWA. (2022). *Women's economic empowerment in crisis contexts*. <https://www.sewa.org>
48. Sohrabzadeh, S., & Mansouri, N. (2016). Women's participation in earthquake response: The case of Bam. *Journal of Emergency Nursing*, 42(5), 371–377.
49. Statistics Canada. (2023). *Gender equality indicators and disaggregated data portal*. <https://www.statcan.gc.ca>
50. UNDP. (2015). *Gender, adaptation and disaster risk reduction*. UNDP.
51. UNDP. (2023). *Gender equality and climate action*. UNDP.
52. UNDP. (2024). *Human Development Report 2024*. UNDP.
53. UNDRR. (2015). *Sendai Framework for Disaster Risk Reduction 2015–2030*. UNDRR.
54. UNDRR. (2020). *Country profiles: Philippines, New Zealand, Canada*. UNDRR.
55. UNDRR. (2022). *Gender-responsive disaster risk reduction strategy*. UNDRR.
56. UNDRR. (2024). *Global Assessment Report on Disaster Risk Reduction*. UNDRR.
57. UNDRR & UN Women. (2022). *Gender-responsive disaster risk reduction: Advancing the Sendai Framework*.
58. UNDRR & UN Women. (2024). *Gender-responsive disaster risk reduction: From policy to practice*.
59. UN OCHA Philippines. (2015). *Post-Haiyan humanitarian response: Lessons learned*.
60. UN Women. (2022). *Tracking gender equality in the SDGs: Disaster resilience*.
61. UN Women. (2024). *Gender dimensions of disaster risk and resilience*.
62. USAID. (2020). *Women in disaster risk reduction: Lessons from the Philippines*.
63. Vallejo, B. M., & Ong, R. S. B. (2022). Embedding gender in disaster governance in the Philippines. *International Journal of Disaster Risk Science*, 13(1), 45–57.
64. WEDO. (2021). *Gender and disaster case studies*. <https://wedo.org>
65. World Bank. (2020). *Social resilience and gender*. World Bank Group.
66. World Bank. (2021). *Gender dynamics of disaster risk and resilience*. GFDRR.
67. World Bank. (2022). *Gender inclusion in disaster risk reduction – Mexico report*.
68. World Bank. (2023). *Engendering disaster risk management*.
69. World Economic Forum. (2024). *Global Gender Gap Report 2024*.
70. Yazdanpanah, M., Forouzani, M., & Mohammadi, A. (2020). Institutional barriers to gender-responsive disaster planning in Iran. *Environmental Hazards*, 19(3), 241–257.
71. UNDRR. (2024). *Global Assessment Report on Disaster Risk Reduction 2024: Forensic insights for future resilience—Learning from past disasters*. Geneva: United Nations Office for Disaster Risk Reduction.
72. OECD. (2023). *The gender equality and environment intersection*. Paris: OECD Publishing.
73. Bradshaw, S. (2013). *Gender, Development and Disasters*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.